

گزارشگر ویژه سازمان ملل خواهان عفو نامشروط گنجی شد

آمیثی لیگابو، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر و آزادی بیان و عقیده طی بیانیه ای از حکومت ایران خواست "به خاطر انسانیت" به اکبر گنجی، روزنامه نگار زندانی "عفو نامشروط" اعطا کند و او را بیدرنگ آزاد سازد. زندانیان در ایران تنها با تأیید سید علی خامنه ای، مشمول عفو قرار می گیرند. آقای لیگابو در



بیانیه خود این را تأیید کرده که آقای گنجی پس از گذراندن دوران بستری خود تحت نظر پلیس در بیمارستان در حالی به زندان بازگردانده شده که شرایط جسمی مناسبی نداشته است. همسر اکبر گنجی نیز گفته است که از او در زندان تحت شرایط قرنطینه بهداشتی نگهداری می کنند. اما قوه قضائیه ایران حال آقای گنجی را در زندان "بسیار خوب" توصیف و اعلام کرده که از او در بند عمومی نگاهداری می شود. اکبر گنجی که واپسین ماههای دوران محکومیت حبس شش ساله خود را می گذراند چند ماه پیش در اعتراض به آنچه محرومیت خود از حقوق زندانیان همچون ملاقات و تماس تلفنی با خانواده و مرخصی مرتب می خواند اعلام اعتصاب غذا کرد و پس از آنکه چند روزی به وی مرخصی داده شد پس از بازگشت به زندان اعلام کرد که به اعتصاب غذا ادامه خواهد داد. با گذشت هفتاد روز از اعلام اعتصاب غذا، او در حالی که خانواده و کلایش شرایط جسمی اش را وخیم می خواندند به بیمارستان اعزام شد و در بخش عمده دوران بستری اش امکان ملاقات با خانواده و وکلایش به او داده نشد. مقامات قضائی ایران هیچگاه خبر اعتصاب غذا و وخامت حال جسمی اکبر گنجی را تأیید نکرده اند اما او حتی از توطئه برای قتل خود در زندان سخن گفته و اعلام کرده است که اگر در زندان اتفاقی برای او بیفتد مسئول مستقیم آنخامنه ای است. اکبر گنجی پس از نوشتن رشته مقالاتی که برخی مقامهای ارشد ایرانی را به دست داشتن در قتل و سرکوب ناراضیان سیاسی متهم می کرد و پس از بازگشت از کنفرانسی که در پایتخت آلمان درباره اصلاحات در ایران برگزار شده بود بازداشت و به شش سال زندان محکوم شد. از زمانی که آقای گنجی اعلام اعتصاب غذا کرد، گذشته از فعالان حقوق بشر در داخل و خارج ایران، شخصیتها و نهادهای مهمی همچون کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل متحد، دولت آمریکا و اتحادیه اروپا خواستار آزادی او از زندان شده اند.

آمیثی لیگابو، گزارشگر ویژه سازمان ملل که به جمع متقاضیان اکبر گنجی پیوسته در نوامبر ۲۰۰۳ میلادی که از زندان اوین در شمال بازدید کرد گفت که مقامات ایرانی در نظر دارند آقای گنجی را آزاد کنند اما این وعده هنوز به تحقق نپیوسته است.

از اعدام پنج زندانی سیاسی در ایران جلوگیری کنید

سازمان عفو بین الملل در روز دوشنبه ۱۲ سپتامبر طی دو اطلاعیه از خطر اعدام پنج نفر در ایران خبر داد و از مدافعان حقوق بشر در سراسر جهان خواست تا دست به فعالیت برای جلوگیری از آن بزنند. ابوبکر میرزایی قادری، عثمان میرزایی



قادری، قادر احمدی و جهانگیر بادوزاده چهار زندانی در زندان ارومیه هستند که خطر اعدام جانشان را تهدید می کند. در چند روز اخیر حزب دموکرات کردستان ایران در باره خطر اعدام سه شهروند ایرانی کرد هشدار داده بود. آقای عبدالرضا کریمی از مسؤولان این حزب در مصاحبه با صدای آلمان در باره هویت آقایان قادری و آقای احمدی گفت: "در سال ۱۹۸۴، حدود ۲۱ سال پیش، درگیری شدیدی در اطراف بوکان بین حزب دموکرات و نیروهای رژیم پیش آمد. در آن درگیری عده ی زیادی از نیروهای رژیم اسیر شدند، من جمله بین اسرا ۸ سرباز بودند، که آنها سرباز کرد بودند. بعد از اینکه درگیری تمام شد ما مثل همیشه گفتیم که اسرا را به رژیم پس می دهیم. رژیم هم حاضر شد. وقتی اسیرها را پس دادیم، دو روز بعد از آن، رژیم از آن ۸ سرباز کردی که جزو اسرا بودند به جرمی واهی که شما خائید و چون حزب شما را اعدام نکرده، پس حتما به ما خیانت کرده اید، ۴ تن را اعدام کرد. ۴ تای دیگر هم فرار کردند. در این حدود ۲۱-۲۲ سال اینها در شهرهای دیگر ایران، بهر حال در جاهایی زندگی شان را گذراندند. اخیرا یکی از آنها دستگیر می شود که رژیم با تهدید یا با رشوه دادن ایشان را وادار می کند تا بعنوان طعمه آن سه تای دیگر را پیدا بکند. ظاهرا آن سه تای دیگر را هم پیدا کرده و دستگیر می کنند. این فرد که به اصطلاح طعمه بوده اصلا معمول نیست کجاست و سرنوشتش چیست. و حالا بعد از ۲۱ سال به این جرم واهی که چون حزب دموکرات شما را اعدام نکرده، پس خائید، بعد از ۲۱ سال حال قرار است اینها را اعدام بکنند. ما از تمام مجامع بین المللی، از تمام انسانها و از تمام سازمانهای بشردوستانه می خواهیم حداقل گوش بدهند به حرف ما، که این چه جور رژیمی ست که بعد از بیست و چندسال می خواهد کسانی را اعدام بکند به این جرم که شما را چرا اعدام نکردند. حرف ما اینست که به گوش همه ی جهان، دولتها و مجامع بشردوستانه برسانیم که داستان از این قرار است تا جلوگیری بکنند از اعدام بناحق این افراد." طبق اطلاعیه سازمان عفو بین الملل در باره اتهام آقای جهانگیر بادوزاده، فرد چهارمی که در زندان ارومیه خطر اعدام تهدیدش می کند، اطلاعی در دست نیست. جستجوی ما نیز برای به دست آوردن اطلاعات در این زمینه بی نتیجه بود. اما به گفته آگاهان سیاسی و نیز همان گونه که سازمان عفو بین الملل اشاره می کند، اعدامهای زندانیان در کردستان می تواند در پاسخ به ناآرامیهای اخیر در

۸ روزنامه نگار ایرانی در بند

آخرین اعلامیه گزارشگران بدون مرز نسبت به بازداشت آقای باستانی و حضور او در بند مجرمان عادی اعتراض کرده است. مسعود باستانی یکی از



جوان ترین روزنامه نگاران ایرانی است و میتوان گفت غالب دستگیری های دو ساله اخیر فعالان رسانه ای را روزنامه نگاران و وبلاگ نویسانی تشکیل میداده اند که زیر سی سال سن داشته اند. مسعود باستانی وکیل دارد که گویا قرار است روزهای آینده با وی ملاقات کند. اما پرونده اتهامی او ویژگی خود را دارد که به قول محمد رضا معینی مسئول بخش ایران سازمان گزارشگران بدون مرز چنین است: " پیچیدگی پرونده ایشان بر مبنای حکمی است که قبلاً بر علیه شان صادر شده است. ایشان یکسال و نیم پیش سردبیر روزنامه ندای اصلاحات بودند که توقیف شد و دادگاه وی را به شش ماه حبس و ۷۵ ضربه شلاق و ۵ سال محرومیت از فعالیت های مطبوعاتی محکوم کرد. این محکومیت وقتی گره خورد با فعالیت های ایشان در رابطه با گزارش کردن از فعالیت های مربوط به آزادی آقای گنجی، مسئله ساز شد. هم باید محکومیت شش ماه گذشته خود را بکشد و هم پرونده جدیدی برای ایشان باز شده است." مطابق آمار سازمان گزارشگران بدون مرز عجلالتا ۸ روزنامه نگار ایرانی در بند هستند اما بایست میزان شناوری را نیز به این تعداد افزود به این معنی که برخی میان محکوم و آزاد بلا تکلیف اند و نیش شمشیر بازداشت هر آن تهدیدشان می کند. " برخی از این روزنامه نگاران به شدت مریض هستند که در مرخصی استعلاجی به سر می برند و ما خیلی خوشنود هستیم که ایشان توانستند با این سن و سال خارج از زندان به مداوای خود ادامه دهند. برخی دیگر مثل سه روزنامه نگار ملی مذهبی که خودشان هم چند وقت پیش اعتراض کردند، معلوم نیست وضعیت شان به چه شکل است؟ اینها نه محکومیت دارند، نه آزادند به مفهوم قضایی و حقوقی اش و نه زندانی! این نوعی تهدید است که ما گمان میکنیم شیوه جدیدی در برخورد با روزنامه نگاران باشد." گزارشگران بدون مرز در تاریخ پنجم مرداد در اعتراض به دستگیری مسعود باستانی اعلام کرده بود جمهوری اسلامی تنها به به پای مرگ کشاندن اکبر گنجی راضی نیست، بلکه هر کس شهادت پیدا کند تا از او دفاع کند نیز مورد دستگیری و آزار قرار میگیرد.

تشدید بیماری دکتر ناصر زرافشان در زندان اوین

بنا بر گزارش رسیده طی دو نوبت سونوگرافی از کلیه های دکتر "ناصر زرافشان" در بهداری زندان اوین مشخص شده که بیماری کلیه راست او هنوز بعد از



کردستان و دیگر مناطق کشور باشد. سازمان عفو در آنجا که در اطلاعیه خود به زمینه صدور حکم اعدامها در کردستان می پردازد، به ناآرامیهای هفته های گذشته در مناطق کردنشین ایران اشاره کرده، که در پی آن چندین نفر دستگیر شدند. در میان دستگیرشدگان بسیاری از فعالان حقوق بشر و حقوق شهروندی نیز بودند. همچنین در روز سوم سپتامبر ۱۲ شهریور دو زندانی سیاسی کرد اعدام شدند: اسماعیل محمدی به اتهام فعالیت در حزب کومله و محمد پنجوینی به خاطر فعالیت در گروهی کردی به نام آگری سور (آتش سرخ). سازمان عفو بین الملل می نویسد که بیم دارد از اینکه مبدا مقامات دولت ایران در پاسخ به ناآرامیهای اخیر کردستان بر شمار اعدامهای زندانیان سیاسی کرد بیافزاید. سازمان عفو بین الملل در اطلاعیه دیگرش به خطر اعدام جوانی ۲۲ ساله پرداخته است. مهدی غریب خانیان غمرودی قرار است در ۱۸ سپتامبر در شهر اهواز اعدام شود. حکم اعدام این جوان در شورای عالی قضایی در تهران تایید شده است. سازمان عفو اشاره می کند به اینکه رهبر جمهوری اسلامی سید علی خامنه ای این قدرت را در اختیار دارد که محکوم به اعدام را عفو کند. طبق اطلاعاتی که به سازمان عفو رسیده است مهدی غریب خانیان غمرودی در دسامبر ۲۰۰۴ توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده، اما علت دستگیری وی روشن نیست. سازمان عفو می نویسد که گمان می رود که محکوم به اعدام از داشتن وکیل و در نتیجه از امکان فرجام خواهی محروم بوده است. سازمان عفو بین الملل در رابطه با هر پنج مورد از اعضای خود و از همه مدافعان حقوق بشر در سراسر جهان خواسته است که با نوشتن نامه به مقامات رهبری جمهوری اسلامی نگرانی عمیق خود را از خطر اعدام این پنج زندانی ایرانی ابراز دارند و خواستار لغو این احکام شوند و درخواست کنند که این زندانیان بهره مند از حق انسانی داشتن وکیل و امکان فرجام خواهی گردند.

صدور حکم برای ۱۰ دانشجوی

شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری شهرکرد درخصوص ده تن از اعضای انجمن اسلامی دانشگاه شهرکرد مبادرت به صدور حکم کرد. وکیل مدافع این دانشجویان درباره حکم صادره با بیان



اینکه این شعبه اخیراً مبادرت به صدور حکم درباره این دانشجویان کرده است خاطر نشان کرد: براساس این حکم شش نفر از اعضای انجمن اسلامی به علت توهین به پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم شده اند و به اتهام افترا و نشر اکاذیب نیز هر یک از متهمان به تحمل ۳۰ ضربه شلاق تعلیقی به مدت چهار سال محکوم شدند. وی افزود: دو نفر از اعضا نیز به علت اینکه در زمان صدور بیانیه از عضویت در انجمن اسلامی استعفا داده بودند، تبرئه شدند.

برای فیلترینگ استفاده می‌کنند که با ایجاد پایگاه مرکزی فیلترینگ این فعالیت به شرکت دلتا گلوبال واگذار خواهد شد. وی در باره این صرف جوئی ملی و پیشرفت امنیتی اضافه کرد: اینکه پایگاه مرکزی فیلترینگ سراسر کشور را تحت پوشش قرار می‌دهد و از اعمال سلیقه در فیلتر کردن سایت‌ها جلوگیری می‌کند. در حال حاضر نرم افزارهای خارجی به وسیلهی کدهای مخصوصی سایت‌ها را فیلتر می‌کنند که تنها شرکت سازنده از کدها و فیلتر URL آن اطلاع دارد. همچنین فیلترینگ سایت‌ها با استفاده از کلمات کلیدی و URL انجام می‌گیرد. در سیستم پایگاه مرکزی فیلترینگ کلمات در سه لیست سیاه، خاکستری و سفید تفکیک می‌شوند. کلمات لیست سیاه در سایت‌ها، توسط خود نرم افزار شناسایی و فیلتر می‌شوند و سایت‌های که کلمات لیست خاکستری در آن قرار دارند، توسط اپراتورهای متخصص در زمینه‌های پزشکی، علمی واجتماعی مشخص می‌شوند تا از مسدود شدن سایت‌های مفید و علمی جلوگیری شود. مسدود شدن سایت‌های سیاسی نیز از طریق کمیته تعیین مصادیق انجام می‌شود. این سیستم در بین ۲ تا ۵ روز همهی فیلتر شکن‌ها را شناسایی و مسدود می‌کند. این سیستم این قابلیت را دارد که از وارد شدن کارمندان سازمان‌ها به سایت‌های نامربوط در ساعات کاری جلوگیری کند.

فعالان سندیکای شرکت واحد زندانی شدند

منصور اسانلو مدیر هیات رئیسه سندیکای اتوبوسرانی به همراه عباس کودکی، غلامی و داوود نوروزی بازداشت شدند. این بازداشت در پی اعتراض دسته جمعی رانندگان اتوبوس های



شرکت واحد صورت گرفت. بازداشت شدگان از جمله فعالان سندیکاهای مستقل کارگری هستند که خانه کارگر بشدت در برابر آن مقاومت می‌کند و مانع استقلال تشکل های کارگری از واحدهای وابسته به دولت نظیر خانه کارگر است. چندی پیش به مجمع عمومی سندیکای کارگران و رانندگان اتوبوسرانی تهران با هجوم چماقداران خانه کارگر روبرو شد و یکبار نیز در هجومی مشابه منصوراسانلو را به جرم تلاش برای احیای سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد در محل این سندیکا می‌خواستند سر ببرند و حتی رگ های گردن او را عوامل خانه کارگر بریدند.

آن هجوم های به ظاهر غیر دولتی و حکومتی، اکنون به بازداشت های رسمی و حکومتی تبدیل شده و آنچه را در هجوم ها نتوانستند انجام بدهند ظاهرا می خواهند در زندان انجام دهند. مقاومت در برابر سازمانیابی کارگران درحالی است که تجار و بازاریان ایران در جمهوری اسلامی در

معالجه و سنگ شکنی در تیرماه امسال مجددا عود کرده و سنگ دارد. "زرافشان" در روزهای اخیر درد شدیدی را از ناحیه کلیه راست خود تحمل می کند. گفته می شود، امکانات درمان در بهداری اوین محدود است و صدور مجوز جهت مدا در خارج از زندان با محدودیت و دشواری های روبروست.

نگرانی از بازداشت و نگهداری سلطانی

۱۸۵ نفر از حقوقدانان،

دانشگاهیان، فعالان سیاسی و فرهنگی طی اطلاعیه‌ای نسبت به نحوه بازداشت، عدم حضور وکیل در تحقیقات، نحوه نگهداری و عدم اطلاع وکلا و خانواده عبدالفتاح



سلطانی از وضعیت وی ابراز نگرانی کردند. امضاءکنندگان این اطلاعیه همچنین از تهدید و جوسازی رسانه‌ای علیه شیرین عبادی، وقایع کردستان و عدم رعایت حقوق بشر ابراز نگرانی کرده‌اند. این فعالان سیاسی، فرهنگی و دانشگاهی خواستار رسیدگی مقامات قضایی، انتظامی و رسانه‌ای به فقدان امنیت و عدم رعایت حقوق بشر شدند و از اقداماتی که موجب فقدان امنیت می‌شود، پیشگیری و خودداری نمایند.

فیلترینگ

رحیم معظمی رییس هیات مدیره دلتا گلوبال از برنامه های جدید و بلند مدت فیلترینگ در



جمهوری اسلامی سخن گفته است. همزمان با این مصاحبه در آلمان نمایشگاهی از پیشرفت های تکنولوژی صوتی برپا شد که برای نخستین بار رادیوهای جدید به نمایش گذاشته شد. رادیوهای جدید ضد پارازیت اند و امواج کوتاه را مانند امواج متوسط دریافت کرده و پخش می کنند و هیچ نوع پارازیتی در آن ممکن نیست. امری که بزودی تلویزیون را نیز شامل خواهد شد. شرکت فلیپس و سونی ارائه دهنده انواع این رادیوها در نمایشگاه جدید آلمان بودند. این که چنین سیستم هائی بسرعت اینترنت را هم شامل شود نه تنها محتمل بلکه قطعی است و تنها در این میان میلیاردها دلار سرمایه کشورهای نظیر ایران هزینه فیلتر گذاری می شود. رئیس هیات مدیره دلتا در تهران گفته است:

با ایجاد پایگاه مرکزی فیلترینگ، سالیانه نزدیک به هفت میلیون دلار صرفه‌جویی ارزی خواهیم کرد و حداقل نه میلیون سایت خلاف عفت عمومی نیز مسدود خواهد گردید. « رحیم معظمی » اظهار داشت: در حال حاضر شرکت‌های دیتا و ICP ها از نرم افزارهای شرکت‌های آمریکایی و اروپایی Smart، web wafher، web sence، فیلتر،

چماق بر سر کارگران

کارگران یخچال سازی "ایران پویا" در اعتراض به تبعیض حاکم بر مناسبات کارفرما با کارگران و ناکارآمدی مدیران بنیاد مستضعفان دست به اعتصاب و تظاهرات زدند.



برای سرکوب این تظاهرات از نیروی انتظامی کمک گرفته شد که منجر به درگیری بین کارگران و نیروهای انتظامی شد. کارگران معتقدند بازار یخچال تولیدی این کارخانه حکم می‌کند که تولید آن تا مرز ۵۰۰ عدد در روز بالا برده شود، اما مدیران اجازه تولید روزانه ۵۰ عدد بیشتر را نمی‌دهند. کارگران معترض می‌پرسند، اگر حقوق و مزایای ما به بهانه عدم توان مالی کارخانه پرداخت نمی‌شود، یک نفر بگوید دریافتی‌های سرسام‌آور مدیران از کجا تامین می‌شود. به گزارش خبرگزاری‌ها نیروی انتظامی با گاز اشک‌آور به کارگران معترض حمله ور شد و بدن‌بال این یورش و درگیری ۶ تن از کارگر به بیمارستان منتقل شدند که حال دو تن از آنان به دلیل داشتن عارضه قلبی وخیم است. (با آنکه کارگران نگفته‌اند و یا شاید نمی‌دانند که بگویند، ریشه جلوگیری از تولید بیشتر یخچال، باز می‌گردد به واردات یخچال خارجی که از طریق دویی وارد می‌شود. با افزایش تولید، این واردات کاهش نی یابد و دست‌های پشت پرده مخالف این افزایش تولید وارد کنندگان اند.)

خروج ممنوع

سازمان نظارت بر حقوق بشر (Human Rights Watch) گزارش ۲۸ صفحه‌ای بنام "خروج ممنوع" که در مورد نقض حقوق بشر در سازمان



مجاهدین خلق ایران منتشر کرده است. این گزارش که در ۵ فصل و ۱۱ بخش تدوین شده است ضمن تشریح تاریخچه و سابقه به نارضایتی، طلاق‌های اجباری و چک امنیتی همراه با استشهادهای اعضای رده بالای این سازمان مبنی بر قتل، شکنجه اعضای در کمپ‌های مجاهدین پرداخته است. این گزارش را می‌توانید در سایت سازمان نظارت بر حقوق بشر www.hrw.org مشاهده کنید.

چند تشکل صنفی مانند انجمن اسلامی بازار و یا اتاق بازرگانی و... موفتلفه اسلامی متشکل اند.

چراغ‌های خاموش حمایت رانندگان اتوبوسرانی تهران از کارگران دستگیر شده شرکت واحد

بدنبال دستگیری تعدادی از فعالان سندیکای مستقل کارگران و رانندگان شرکت واحد در تهران، رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی در اقدامی هماهنگ چراغ‌های



اتوبوسهای خود را ساعاتی طولانی روشن نگه داشتند. رانندگان شرکت واحد، در عین حال گفتند که نسبت به مدیریت شرکت واحد اعتراض دارند. شرکت واحد اتوبوسرانی زیر نظر شهرداری و وزارت کشور است. کارگران و کارمندان وزارت کشور و شهرداری تاکنون ۱۱۰ هزار تومان بن گرفته‌اند این در حالی است که کارگران شرکت واحد تنها ۴۰ هزار تومان بن گرفته‌اند. این ۴۰ هزار تومان بن از ۱۰ هزار تومان برای خرید لوازم التحریر آغاز در سال تحصیلی جدید ۲۰ هزار تومان خرید کت و شلوار و ۱۰ هزار تومان به مناسبت میلاد حضرت علی(ع) است. دریافتی بابت ناهار و خواروبار از چند سال گذشته تاکنون ماهانه ۲۴۰ تومان بوده و حقوق ماهانه آنها حداکثر ۱۷۰ هزار تومان است که از این مبلغ نیز ۱۵ تا ۲۰ هزار تومان مالیات کسر می‌شود. نماینده کارگران شرکت واحد گفت: نتیجه اعتراض گذشته ما اخراج ۱۷ نفر از همکارانمان بود و دیروز به اخراج این افراد اعتراض کرده و خواستار بازگشت آنها به سرکارشان شدیم. (برخی از این اخراجی‌ها اکنون دستگیر شده‌اند.) سندیکای کارگران شرکت واحد قانونی بوده و مدافع حقوق کارگران این شرکت است. اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد متشکل از خود کارگران بوده در حالی که شورای اسلامی کارگران شرکت واحد متشکل از مدیران و کارفرمایان شرکت واحد و مدافع منافع مدیران این شرکت است. یک کارگر دیگر گفت: سندیکا توسط خود کارگران ایجاد شده و کار غیرقانونی تاکنون انجام نداده‌اند و اعضای این سندیکا نیز با رای‌گیری از میان کارگران انتخاب شده در حالی که اعضای شورای اسلامی کارگران نه تنها مدافع حقوق کارگران نبوده بلکه علیه منافع کارگران عمل می‌کند منتخب مدیران و کارفرمایان شرکت واحد است.

هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد ماده ۱۹

اعلامیه جهانی حقوق بشر

جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران

www.polpiran.com

5122,CDN – C.P. 49552, Montreal,QC H3T 2A5

جشن فلسطینیان به مناسبت خروج اسرائیل از نوار غزه

غزه: اسرائیل پس از ۳۸ سال سرانجام به اشغال نوار غزه خاتمه داد. آخرین واحدهای ارتش اسرائیل منطقه نواری واقع



در دریای مدیترانه را ترک کرده، به اسرائیل بازگشتند. دهها هزار فلسطینی این بازگشت را جشن گرفتند. نیروهای امنیتی وارد ۲۱ شهرک تخلیه شده گشتند. طبق خبرهای رسیده از گزارشگران حاضر در محل نوجوانان فلسطینی دست کم دو کنیسه را به آتش کشیدند. در هفته‌های گذشته اسرائیل در شهرک‌های یاد شده به جز ۱۹ کنیسه تقریباً همه دیگر ساختمانها را ویران کرد. مقامات فلسطینی تصریح کردند که این کنیسه‌ها را از جا خواهند کند. - رئیس جمهور فلسطینیان محمود عباس از بیرون رفتن اسرائیل از این منطقه به عنوان حادثه‌ای تاریخی یاد کرد. عباس در غزه گفت که اما برای رسیدن به صلح هنوز راهی طولانی را باید پیمود.

بازداشت ژنرال رواندائی به اتهام مداخله در قتل عام

در قتل عام ۱۰۰ روزه سال ۱۹۹۴ بیش از ۸۰۰۰۰۰ نفر به قتل رسیدند به گفته مقامات یکی از دادگاه‌های محلی موسوم به "گاکاکا" که



مدارک قتل عام سال ۱۹۹۴ در رواندا را جمع آوری می کند برای یک ژنرال ارتش این کشور به اتهام مشارکت در قتل‌ها حکم بازداشت صادر شده است. شهود دادگاه، ژنرال لوران مونیاکازی را متهم کرده اند که در قتل کسانی که در کلیساهای پایتخت پناه گرفته بودند مشارکت داشته است. ژنرال مونیاکازی اما این اتهامات را تکذیب کرده است.

مقامات دولتی بازداشت این ژنرال را تأیید کرده و گفته اند که او در دادگاه نظامی محاکمه خواهد شد. در جریان قتل عام سال ۱۹۹۴ بیش از هشتصد هزار توتسی و هوتوهای میانه رو در رواندا به قتل رسیدند.

دادگاه‌های موسوم به گاکاکا که از مردم محلی در بخش‌های مختلف رواندا تشکیل شده از ماه مارس گذشته کار شناسایی قربانیان و عاملان این جنایت را آغاز کرده اند. بنا به گزارش‌ها این نخستین بار است که افسر ارشدی به حکم یک دادگاه گاکاکا بازداشت شده است. خانم موکانتاگنزاوا، یکی از مقامات دادگاه گاکاکا به خبرگزاری فرانسه گفته است: "این ژنرال توسط گاکاکا بازداشت شده و قرار است مطابق قانون به دادگاه نظامی تحویل داده شود."

دادگاه‌های گاکاکا در بسیاری از روستاهای رواندا تشکیل شده است وی در عین حال تأیید کرد که یکی دیگر از دلایل بازداشت این ژنرال اتهام او به ارباب‌شهود و تلاش برای دستکاری در مدارک دادگاه است. به گفته این مقام اتهامات جنائی این ژنرال او را در "رده اول" متهمان این قتل عام قرار می دهد یعنی او در طرح بعضی از این قتل‌ها نقش داشته است. ژنرال مونیاکازی در ارتش تحت فرماندهی هوتوها با درجه سرهنگی خدمت می کرده است. او از زمان بازداشتش در این مورد ابراز نظری نکرده است. متهمان رده اول در سیستم رسمی قضائی رواندا محاکمه خواهند شد. نزدیک به ۱۲۰۰۰ دادگاه گاکاکا در رواندا تشکیل شده تا با رسیدگی به پرونده بخشی از متهمان قتل عام سال ۱۹۹۴ از بار دادگاه‌های عادی کشور در این زمینه بکاهند و محاکمه عاملان اصلی جنایات را تسریع کنند.

من پشیمانم

کالین پاول در یک مصاحبه تلویزیونی اعتراف کرد که سخنرانی اش در سازمان ملل درخصوص ارائه شواهد و مدارک دولت آمریکا برای جنگ علیه عراق لکه ننگی بر



سوابقش بوده است. به گزارش خبرگزاری فرانسه، کالین پاول وزیر امور خارجه سابق آمریکا در فوریه سال ۲۰۰۳ طی سخنرانی در شورای امنیت سازمان ملل برای ارائه شواهد و مدارک در خصوص جنگ آمریکا علیه عراق به برخورداری رژیم صدام از سلاح‌های کشتار جمعی اشاره کرده بود. وی در سخنرانی اش به عکس‌های ماهواره‌ای از کامیون‌هایی که به گفته وی آزمایشگاه‌های سیار ساخت تسلیحات بیولوژیک بوده است، اشاره کرده بود. این در حالی است که پس از تهاجم آمریکا به عراق بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل در گزارش‌های خود عنوان کردند که هیچ‌گونه تسلیحات شیمیایی بیولوژیک و هسته‌ای در عراق یافت نشده است. پاول در مصاحبه تلویزیونی خود با شبکه‌ای بی‌سی‌اچ اظهار داشت: «این یک لکه ننگ بر سوابق من است. من کسی بودم که از جانب آمریکا از وجود تسلیحات کشتار جمعی در عراق خبر دادم و این تا همیشه در سوابق من باقی خواهد ماند. واقعاً رنج آور بود و هنوز هم رنج آور است.» این در حالی است که پاول پیش از سخنرانی اش در سازمان ملل مدت پنج روز در سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) به مطالعه و بررسی گزارش‌های اطلاعاتی و محرمانه می پرداخت که بیشتر این گزارش‌ها اشتباه از آب درآمد. پاول در این باره گفت: از اینکه اطلاعات غلطی به او داده شده بود، احساس بسیار بدی به او دست داد. با این حال وزیر خارجه سابق آمریکا در مصاحبه تلویزیونی خود جورج

از آن است. تحقیقات همچنین نشان داده که ۸۰ درصد از کسانی که با انواع بلایا مواجه می شوند پس از گذشت شش ماه از وقوع این حوادث، هنوز دچار ترس فراوان، افسردگی و اندوه درونی هستند.

برگزاری مراسم سالگرد فاجعه بسلان



شهر بسلان در جنوب روسیه شاهد برگزاری سومین و آخرین روز از مراسم سالگرد فاجعه گروگانگیری در مدرسه ای در این شهر بود. در این فاجعه بیش از ۳۰۰ نفر کشته شدند که بیشتر آنها کودک بودند.

بنابر گزارش خبرنگاران در مسکو برای افرادی که عزیزانشان را در این فاجعه از دست دادند، امروز دردناک ترین روز است زیرا دقیقاً یک سال پیش در همین روز بود که ماجرای گروگانگیری به انفجار و تیراندازی به پایان رسید. در خرابه های مدرسه شماره ۱ بسلان، در لحظه وقوع اولین انفجار، زنگ هایی به صدا درآمده است.

پس از آن، یک دقیقه سکوت برگزار شد و ۳۳۱ بادکنک در آسمان رها شده است. در جریان فاجعه گروگانگیری بسلان، گروهی از افراد مسلح که شورشیان چچنی معرفی شدند، در مراسمی که به مناسبت آغاز سال نو در مدرسه ای در شهر بسلان، واقع در جمهوری اوستیای شمالی روسیه برگزار شده بود حمله کردند و بیش از یک هزار نفر متشکل از دانش آموزان، والدین آنها و معلمان مدرسه را گروگان گرفتند. این پیکارجویان خواستار استقلال چچن بودند. روز گذشته، جمعه دوم سپتامبر، تعدادی از مادران بسلانی با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه، دیدار کردند و خواستار برخورد با افرادی شدند که به گفته آنها برای پایان دادن به ماجرا بد عمل کردند. در پایان ماجرا، نیروهای ارتش روسیه که به منظور خاتمه دادن به ماجرا گروگانگیری به بسلان اعزام شده بودند برای نجات گروگان ها به ساختمان محل نگهداری آنان حمله کردند که در نتیجه، ۳۳۰ نفر، که بیش از نیمی از آنان کودکان و شاگردان مدرسه بودند، جان خود را از دست دادند. به گفته خبرنگاران بسیاری از اهالی بسلان آقای پوتین را در بروز این فاجعه مقصر می دانند. برخی از مردم بسلان هنوز در پی پاسخ سوال های خود هستند و احساس می کنند مقام های روسیه واقعیت ها را پنهان کرده اند. آنان می خواهند بدانند چگونه گروهی از مردان مسلح امکان ورود به مدرسه را یافتند، چرا مقامات دولتی از مذاکره با آنان خودداری کردند و دقیقاً چه کسی مسئول پایانی چنین خونین برای گروگانگیری بود.

تنت مدیر سیا را مقصر ندانست. پاول گفت: تنت در این پنج روز همراه من نبود و مرا در ارائه اطلاعات گمراه نکرد. او بر این باور بود که اطلاعات دقیقی در اختیار من قرار می دهد. وی افزود: این درحالی است که برخی اعضای سازمان های اطلاعاتی آمریکا از قبل نسبت به غیرموتق بودن برخی منابع و غیرقابل اعتماد بودن گزارش ها آگاهی داشتند، اما در آن مقطع زمانی اظهارنظر نمی کردند. پاول در ادامه بیان داشت: این اشخاص چندان معتبر و بلندپایه نبودند، اما به هر حال افرادی بودند که می دانستند برخی از منابع اطلاعاتی موتق نیستند. من حقیقتاً ناامید و دلسرد شده بودم. وزیر خارجه سابق آمریکا همچنین اظهار داشت: هیچ گونه شواهد و مدارکی دال بر دست داشتن رژیم صدام در حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ندیده است.

۲۲۰ کودک در شهر "نیواورلئان" آمریکا ناپدید شده اند

"یونیسف" (صندوق حمایت از سازمان ملل) شمار کودکان ناپدید شده در طوفان سهمگین "کاترینا"



در شهر "نیواورلئان" آمریکا را ۲۲۰ نفر اعلام کرد. نشریه آلمانی "اشپیگل" روز سه شنبه در پایگاه اینترنتی خود نوشت: مشاهده برخی صحنه ها در نیواورلئان بسیار دردناک است. گرسنگی، تشنگی، قطع آب و برق و تلفن، از دست دادن خانواده و نزدیکان از یک سو، اجساد شناور بر آب، قتل و غارت، تجاوز، درخواست و التماس ساکنین برای کمک از سوی دیگر چهره نیواورلئان را بسیار وحشتناک کرده است. این منبع خبری بر اساس گزارشی از روزنامه "لس آنجلس تایمز" نوشته است: دیدن تصاویری از کودکان بی سرپرست که به صورت گروهی در نقاط مختلف این شهر جمع آوری شده اند، بیش از همه متاثرکننده است. در یکی از این تصاویر، کودک شش ساله ای نشان داده شد که بر روی دستش یک نوزاد پنج ماهه خوابیده است و پنج کودک دیگر دور او جمع شده اند. در تصویری دیگر کودکی که بر روی یک نیمکت با ظاهری آشفته به خواب رفته حکایت از غم بزرگی دارد و آن چیزی نیست جز از دست دادن والدین. یونیسف همچنین شمار کودکان بی خانمان این فاجعه را ۴۰۰ هزار نفر بر آورد کرده است. یکی از امدادگران درباره مشاهدات خود از نیواورلئان گفته است، به جرات می توانم بگویم مشاهده صحنه های دلخراش در نیواورلئان "بدترین و زجر اورترین صحنه هایی است که من در طول زندگی دیده ام به ویژه مشاهده کودکانی که مرگ والدین آنها موجب تنهایی شان شده است". به گفته روانشناسان، اثرات روانی این فاجعه عظیم به خصوص بر کودکان پس از گذشت مدت زمان زیادی نمایان خواهد شد که اختلالات عقلی نمونه ای

منصور اسانلو

رئیس هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

جنبش سندیکایی در کنار جنبش دموکراتیک

وقتی از سندیکاها به عنوان آموزشگاه پایه‌ای و اولیه دموکراسی سخن می‌گوئیم دلایلی تاریخی و جغرافیایی پشتوانه این ادعا است. اما در آغاز به ماهیت روش سندیکایی نظری می‌اندازیم تا موضوع روشن تر شود. سندیکا (Syndicat) واژه‌ای فرانسوی که بیش از صد سال پیش به همراه نوگرایی‌ها و نوجویی‌های زندگی وارد فرهنگ ما شد. دوران قبل از انقلاب مشروطه، بعد از اعزام دانش آموزان توسط امیرکبیر به اروپا و خصوصاً فرانسه که مهد فرهنگ و دانش و دموکراسی در آن روزگار بود، و سخن گفتن به فرانسوی برای بسیاری از درباریان و روشنفکران و با سوادان آن روزگار مزیتی به شمار می‌آمد. کما اینکه هنوز هستند پیرزنان و پیرمردانی که در گفتگوهایشان به نشانه تشخیص واژه یا دیالوگی را به فرانسوی بیان می‌کنند و در آن هنگام چشمهایشان برق خاصی می‌زند. سندیکا به معنای اتحادیه، تشکل، گروه‌های کارگری و اخیراً انجمن صنفی به زبان فارسی - عربی ما ترجمه گردید. اما در عمل برای آن کارگرانی که با عمل درگیر این واژه شدند، سندیکا همان سندیکا بود. (رادیو، تلویزیون، کامپیوتر، دموکراسی، فریزر، اتوبوس، مینی بوس، آنتن، فرکانس، فیزیک، ...)

در تاریخ یکصد ساله اخیر کارگران و زحمتکشانی که تحت این واژه (سندیکا) گرد هم آمدند تا برای حل مشکلات و سختی‌هایشان گفتگو کنند و راه حل پیدا کنند به این واژه جهانی خو گرفتند و با این واژه که بار تاریخی معینی در حق طلبی و آگاهی بخشی تاریخی و طبقاتی داشته است. تشکیلات خود را ساختند و به امر مبارزه پرداختند که حاصل آن بطور مثال بوجود آمدن وزارت کار - بیمه‌های تأمین اجتماعی بود. ترجمه متون زیادی از زبان‌های دیگر که به امر مبارزه طبقاتی و تعادل اجتماعی کمک می‌کرد، توسط سندیکایی‌ها شکل گرفت و تحت عنوان سندیکا و افراد متعلق به شورای متحده سراسری اتحادیه‌های کارگری ایران یک انقلاب فرهنگی در محرومان، کارگران و حتی دهقانان صورت گرفت، بطوری که در بسیاری از مناطق روستایی نیز اتحادیه‌های دهقانی همان سندیکاهای دهقانی شکل گرفتند که مبارزات آنها و آگاهی بخشی‌های آنها در دوره دولت ملی دکتر مصدق باعث شد

که بهره مالکانه ۱۵٪ از مالکین کسر و به سهم کشاورزان و دهقانان باز گردد.

سازمان و آموزش سندیکایی

سندیکاها مدرسه آموزش روابط دموکراتیک و دموکراسی هستند. نهاد سندیکایی از کف جامعه آغاز به رشد و نمو می‌کند. افراد یک کارگاه یا شرکت یا کارخانه به صورت داوطلبانه و بر اساس آگاهی یافتن از وضعیت جامعه خویش و تلاش برای تحول و دگرگونی شرایط زیست خودشان گردهم می‌آیند. عناصری از کارگران که آگاهی بیشتری یافته اند، خوآموزی کرده اند یا با نگاه ژرف تری به جهان پیرامون خودشان نگریسته اند پیش می‌افتند و دیگران را دعوت به حضور و گفتگو می‌نمایند. پس از آنکه تعدادی از افراد بر اثر شنیدن دعوت همکاران خود به یکدیگر پیوستند، مجمع عمومی برقرار می‌شود. افراد در مجامع عمومی و جلسات عمومی کاملاً خود مختار و آزاد هستند. درباره هر موضوعی که به کار و حقوق کارشان مربوط می‌شود گفتگو می‌کنند و نظر می‌دهند. همه با هم برابر هستند. هیچکس بر هیچکس رجحانی ندارد. برتری افراد فقط به واسطه آگاهی و دانشی است که به دیگران ارائه می‌دهند و سعی در بالا بردن میزان آگاهی همکاران می‌نمایند. سازمان سندیکا از همین جا شکل می‌گیرد، افراد پس از حضور در جلسات عمومی و بالا بردن میزان دانش خود نسبت به امر زندگی و معیشت و آگاهی عمومی از وضعیت اقتصادی اجتماعی شهر و دیار و کشور خودشان و دیگران در جهان به طرف تشکیل مجمع عمومی حرکت می‌کنند. مجمع عمومی مهمترین و اثرگذارترین واحد سازمانی سندیکاهاست. این امر در سندیکاهای کارگری و کارفرمایی هیچ فرقی نمی‌کند. به همین دلیل دموکراتیک جلسات را سندیکاها تشکیل می‌دهند، چرا که همه با حقوق برابر و یکسان در آنها شرکت می‌کنند و هیچ مقام و منصبی نمی‌تواند حق عمومی افراد را در سندیکا مورد تعرض قرار دهد. در مجمع عمومی همه نظر می‌دهند، سؤال می‌کنند، توضیح می‌دهند، پاسخ می‌گویند و حق دارند برای نمایندگی در سازمان‌های مختلف سندیکا و ارگان‌ها و ارکان سندیکاها خود را معرفی و کاندید نمایند. اینجا مجمع عمومی است که با رأی تک تک افراد سندیکا حق دارد آزادانه نظر بدهد، کاندید شود، کاندید نماید و رأی بدهد و آرای اکثریت افراد حرف آخر را در هر موردی می‌زند، ضمن آنکه اقلیت هم از آن پس بایستی از رأی اکثریت تبعیت نماید و همه برای پیشبرد امور سندیکا تلاش نمایند. اما اقلیت این حق را دارد در کنفرانس‌های هفتگی و جلسات عمومی نظریات خود را بگوید. سؤال کند، و اگر متوجه سیر غلطی در طی امور شد، نکته‌ها را گوشزد نماید و در انتخابات بعد شرکت کند و اگر توانست رأی آزاد افراد را بدست بیاورد. اینجا در اولین مرحله تشکیلاتی شدن سازمان سندیکا، اعضای سندیکا با فرآیند

می‌یابند. قدرت و منزلت رأی و نظر خود را می‌فهمند و مهم بودنشان برای خویشتن و جامعه را درک می‌کنند، گاه همان یک رأی آنها تعیین کننده ترین رأی برای تعیین سرنوشت امری مهم جلوه می‌کند و همه این روال به بالا بردن سطح اعتماد به نفس و سلامتی روان آنها کمک می‌کند، انسانی که می‌فهمد خودش و رأی و نظرش مهم و تأثیر گذار است و اوست که جزو بازی گردان‌های زندگی خودش است، دچار افسردگی و ناراحتی‌های روحی و روانی نمی‌شود در نتیجه به سوی انحطاط و اعمال نا امیدانه همچون اعتیاد و فساد و افیون‌ها نمی‌رود.

لذت درک از خویش و دانستن اینکه دیگران برای او و رأی و نظر او ارزش قائل هستند. روحیات نا امیدانه، تنگ نظرانه، فرد گرایانه و خودخواهانه را کاهش می‌دهد. اینکه افراد ببینند در ساختن چیزی که به آن اعتقاد دارند و در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند، حضور دارند، آنها را از بند بسیاری از خلل‌های اجتماعی دور می‌کند، در مبحث روانشناسی اجتماعی و درستی و اینکه انسان اجتماعی در اجتماع دموکراتیک جایگاه واقعی خود را می‌یابد بسیار بحث شده است و روش‌های درمانی مدرن و نوین در بسیاری از افسردگی‌ها و حتی بیماران روانی و جنایتکاران بیمار نشان داده است از اصلی‌ترین علت‌های بروز این گرفتاری‌ها تنهایی و احساس بی‌ثمری کردن و بی‌توجهی دیدن در سنین بخصوصی در کودکی آمده‌ها بوده است و راه درمان توجه انسانی و مسئولانه به انسانها بوده است که در ساختارهای دموکراتیک همچون سندیکاها و احزاب به عینه درستی این نظریات دیده میشود، مثلاً در سندیکای ما کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، بسیاری از افراد از زمانی به سندیکا آمده‌اند، حتی سیگار کشیدن را ترک کرده‌اند و جلوه‌های مثبت زیادی از رفتار جمعی در خانواده‌هایشان اثر گذاشته است و درک تازه‌ای از زندگی پیدا کرده‌اند که در طولانی مدت به بهبود شرایط اجتماعی کمک خواهد کرد.

بقیه از صفحه ۹

با تلاش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد حساب خصوصی برای کمک به این زنان افتتاح شد. خانم ایکدا از موسسان آرشیو موزه زنان توکیو در این باره می‌گوید: "در سال ۱۹۹۵، یعنی ده سال پیش، در ژاپن حسابی برای جمع‌آوری کمک مالی خصوصی به زنان آسیب دیده گشوده شد. بودجه دولتی به این امر اختصاص نیافت زیرا مورد مخالفت دولت محافظه کار ژاپن بود. قبول این کمک مالی خصوصی از جانب برخی از زنان آسیب دیده، مورد انتقاد دیگران قرار گرفت که در انتظار پوزش رسمی و پرداخت غرامت دولتی ژاپن بودند. به نظر من ایده کمک خصوصی در مجموع با شکست روبرو شد." اعمال این جنایات در مورد زنان کره ای هنوز هم بطور رسمی مورد پوزش رسمی دولت ژاپن قرار نگرفته است.

دموکراسی به بهترین شکلی آشنا می‌شوند و با عملی‌ترین شیوه آن را به کار می‌برند یعنی فرآیند، حق آزادی بیان، مسئول بودن در برابر بیان، حق پرسش، حق پاسخگویی، حق کاندید شدن، حق کاندید شدن، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و حق تلاش سازنده برای به کرسی نشاندن نظریات خود با تکیه بر آرای عمومی و حق حضور برابر حقوق رأی اقلیت در کنار اکثریت و تلاش برای آنکه در آینده بتواند رأی اکثریت را بدست آورد. که همه این‌ها با تکیه بر رفتار عمل گروه گرایانه و به نفع اکثریت اعضاست. که با دیدن تلاش‌های صادقانه و مسئولانه رأی به نظریات و عملکرد افراد می‌دهند. مرحله بعد انتخابات ارکان سندیکا توسط مجمع عمومی است. که پس از آن که یک اساسنامه پیشنهادی را که قبلاً از سوی اعضا مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته و همه سعی کرده‌اند نقاط ضعف پیشنهادی اش را کم کنند و بر نکات قوت آن بیفزایند، برای تصویب در مجمع عمومی توسط هیأت مؤسس که از همان افراد آگاه اولیه که دیگران را برای تشکیل سندیکا دعوت می‌کنند ارائه می‌شود. در جلسه مجمع عمومی اساسنامه پیشنهادی مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس مواد آن به رأی گذاشته می‌شود. بعد از اصلاح و تصویب اساسنامه، انتخاب هیأت مدیره سندیکا و بازرسان آن آغاز می‌شود هیأت مدیره معمولاً با کاندید شدن و خود را به مجمع معرفی کردن انتخاب می‌شود. اما در بسیاری از جاها و مراکز افراد بنا به خصلت‌های حیاتی ظاهری و تواضع‌بی‌دلیل کاندیدا نمی‌شوند در نتیجه حاضرین، کسانی را که فکر می‌کنند صلاحیت انجام امور را دارند با خواهش و تمنا کاندیدا می‌کنند و سپس رأی‌گیری صورت می‌پذیرد که بنا به پیش بینی اساسنامه تعداد افراد هیأت مدیره و علی‌البدل و بازرسان و بازرسان علی‌البدل، مشخص شده است که به ترتیب اکثریت آرا انتخاب می‌شوند و کسانی که آرای کمتری دارند عضو علی‌البدل هیأت مدیره و همچنین بازرسان قرار می‌گیرند. بعد از انتخاب هیأت مدیره و بازرسان، آنها از بین خود رئیس و نایب رئیس و دبیر و خزانه دار و مسئول روابط عمومی و دیگر مسئولین هیأت مدیره را طبق اساسنامه با آرای اکثریت و با توافق جمعی انتخاب می‌کنند. و ساز و کار سندیکا آغاز به کار می‌نماید. مجموعه این توضیحات در نحوه انتخابات تشکیلات درونی سندیکا، نشان آشکار از توجه به آرای عمومی، بدون دخالت هیچ نیرو و نهادی دیگر دارد. و آنکه همه جا این آرای عمومی است که به اساسنامه، هیأت مدیره، بازرسان و در نتیجه به سیاست‌های سندیکا، شکل می‌دهد. مجموعه این روش چیزی به جز آموزش دموکراسی در تئوری و در عمل نیست. از همین جا زمینه آموزش تئوری دموکراسی تبدیل به عمل دموکراتیک در نهادهای پایه‌ای جامعه می‌شود. افراد با فرایند دموکراسی و روش‌های آن آشنا می‌شوند. در همین راستا بر ارزش وجودی خویش و قدرت انتخاب خویش آگاهی

اشتهان گاوس / شیرین جزایری

زنان، بردگان جنسی در جنگ



امسال همراه با برگزاري شصتمين سالگرد فاجعه جنگ جهاني دوم، محافل صلخواه جهان، از جمله سازمان هاي مبارز زنان در كشورهاي گوناگون، مركز

توجه خود را به زنان كره اي اختصاص دادند كه در طي اين جنگ به عنوان بردگان جنسي به روسيگري و ارضاء جنسي سربازان ژاپني مجبور شدند. آنان را "زنان تسلي دهنده" مي خواندند. تاريخدانان تعداد اين زنان را تا بيش از ۲۰۰ هزار نفر حدس مي زنند كه در ميانشان تعداد زيادي دختران دانش آموز با حداكثر ۱۲ سال سن، وجود داشتند. آنان مجبور به ارضاء جنسي روزانه ۳۰ تا ۴۰ سرباز بودند.

جنگ فاجعه ايست با ابعاد بسيار وسيع و عميق كه تا نسل ها بعد اثرات خود را بر روي قربانيان به شكل مستقيم و غير مستقيم باقي مي گذارد. امسال شصتمين سالگرد پايان جنگ جهاني دوم در كشورهاي مختلف برگزار گرديد. اين فاجعه جهاني كه منجر به كشته شدن بيش از پنجاه ميليون انسان شد، از ديدگاه هاي مختلف موضوع مورد بحث امسال محافل صلخواه جهان بود. از جمله سازمان هاي مبارز زنان در كشورهاي مختلف جهان مركز توجه خود را به زنان كره اي اختصاص دادند كه در طي جنگ جهاني دوم به عنوان بردگان جنسي، به روسيگري و ارضاء جنسي سربازان ژاپني مجبور شدند. به آنان نام "زنان تسلي دهنده" را داده بودند. تاريخدانان تعداد اين زنان را تا بيش از ۲۰۰ هزار نفر حدس مي زنند كه در ميانشان تعداد زيادي دختران حداكثر ۱۲ ساله يافت مي شدند. آنان مجبور به ارضاء جنسي روزانه ۳۰ تا ۴۰ سرباز بودند. هنوز بطور رسمي دولت ژاپن از بازماندگان اين جنايات پوزش نخواست و به آنان خسارات لازم پرداخته نشده است. اريكو ايكدا صفحات دفتر بزرگ و قطور زندگي اين زنان را ورق مي زند. او يكي از زنان ژاپني موسس آرشيو زنان موزه جنگ و صلح در توكيو است. اين سازمان اقدام به جمع آوري نام و سرگذشت زنان كره اي كه در طي جنگ توسط سربازان ژاپني از تمامي نقاط مختلف مورد تصرف خود به اردوگاه هاي سربازان حمل گرديد. برخي از آنان دانش آموزان مدارس بودند كه هنوز ۱۲ ساله نيز نداشتند. "اين زنان عمدتاً كره اي بودند ولي در ميان آنان زنانني از تايوان، اندونزي، تيمور شرقي، فيليپين و چين نيز يافت مي شدند كه براي ارضاء جنسي سربازان ژاپني، به عنوان بردگان جنسي به اردوگاه هاي نظامي فرستاده مي شدند."

يكي از اين زنان كره اي سونگ شين دو نام دارد. او زماني كه بدست نيروهاي ژاپني در منطقه ماندشوراي اسير شد فقط شانزده سال داشت و حتي يك كلمه ژاپني نمي دانست. "آنان به من مرتب مي گفتند كه بايد براي سرزمين پدري كار كنم. ما مي بايد هر روز و هر شب، گاهي اوقات وسيله ارضاء جنسي ۴۰ تا ۵۰ سرباز ژاپني باشيم. تنها اميدواري من روزي بود كه جنگ پايان يابد. و من مرتب از خود مي پرسيدم كه چرا مي بايد براي ژاپن اين زجر را متحمل شوم." در اين زمان ارتش ژاپن بطور رسمي شبكه اي از فاحشه خانه ها را با استفاده از كار روسي هاي اجباري تاسيس کرده بود. اين زنان مورد آزار و سوء استفاده جنسي وحشيانه واقع مي شدند. تعداد زيادي از آنان به بيماري هاي شديد دچار شدند و يا به دليل سوء رفتار درگذشتند. براي باقيماندگان اين فجايع پايان به اصطلاح كارشان در سال ۱۹۴۵، بعد از قبول و اعلام شكست ژاپن به عنوان متحد آلمان بود.

بعد از اعلام پايان جنگ جهاني دوم اين زنان به خانه هاي خود بازگشتند. اما آنجا نه تنها تحت فشار و رنج ناشي از بيماري هاي جسمي و روحي بودند، بلكه بسياري از آنان از طرف جامعه، خانواده و خويشاوندان به عنوان روسي طرد شدند.

بسياري از شرم و ترس در ابتدا فقط سكوت اختيار کرده بودند و با كسي از سرنوشت غم انگيز خود سخني به ميان نمي آوردند. كابوس اين سال ها برخي را واداشت كه بلافاصله بعد از جنگ اقدام به خودكشي كنند. تعدادي ديگري هرگز ديگر توان بازگشت به زندگي عادي را نيافتند.

بسياري از اين زنان درگذشتند، بدون آنكه كسي و يا سازماني بطور رسمي از آنان دلجوئي كند. براي اولين بار در سال ۱۹۹۱ ميلادي، يعني چهارده سال پيش بود كه تعدادي از زنان شجاع بازماندگان از اين فجايع لب به سخن گشودند و موجب آشنا شدن افكار عمومي جهان نسبت به سرگذشت غم انگيز خود گرديدند. در اين سال اتحاديه مشاوره زنان كره اي تشكيل شد تا به وضعيت زنان بازمانده از اين جنايات رسيدگي كند. عمل آنان نمونه اي براي ساير زنان زجرديده اي بود كه بعد از گذشت تمام اين سال ها از انجام اين جنايات پرده بردارند. از اين تاريخ به بعد هر چهارشنبه زنان كره اي مورد تجاوز و آزار قرار گرفته كه اكنون برخي بين ۸۰ تا ۹۰ سال سن دارند، در جلوي سفارت ژاپن در سئول تجمع مي كنند تا صدي اعتراض خود را به گوش جهانيان برسانند تا شايد از تكرار اين فجايع جلوگيري كنند. آنان همچنين خواستار احقاق حقوق خود، پرداخت غرامت و پوزش رسمي اين كشورند. امسال سازمان هاي زنان زيادي در كشورهاي مختلف جهان به نشانه همبستگي با اين زنان به خيابان ها آمدند و در تظاهرات شركت كردند. از جمله در برلين ۴۰ سازمان زنان در اين اعتراضات حضور يافتند.

بقيه در صفحه ۸

نامحدود است، آزادی شهروندی، آزادی تعیین شده از طرف جمع و لذا آزادی محدود شده ی فردیست. به این ترتیب روسو تلاش می کند، نوعی هماهنگی میان آزادی فردی و جمعی ایجاد نماید. وی این کار را در اثر معروف خود «قرارداد اجتماعی» که در سال ۱۷۶۲ میلادی نوشته شد، انجام می دهد.

روسو در اثر یادشده، به دنبال طرحی دولتی برای یک قرارداد اجتماعی است که بر مبنای آن شکلی از همپیوندی میان افراد یافت شود که نه تنها از فرد دفاع و محافظت کند، بلکه در نتیجه ی اتحاد او با دیگران، همان میزان از آزادی را که فرد در وضعیت طبیعی از آن برخوردار بوده است، برایش تأمین نماید. به نظر روسو، آنچه را که انسان در نتیجه ی این قرارداد اجتماعی از دست می دهد، حق طبیعی و نامحدود او در مورد همه چیز است و آنچه را که به دست می آورد، «آزادی شهروندی و مالکیت بر تمام چیزهایی است که صاحب آن است». بنابراین می توان گفت که از دید روسو، انسان، آزادی طبیعی را با آزادی شهروندی معاوضه می کند و در قبال «حقوق» نامحدودی که از دست می دهد، امنیت حقوقی و تضمین مالکیت شخصی به چنگ می آورد. اما از آنجا که به نظر روسو، «حق» در وضعیت طبیعی - که در آن هنوز یک همبود انسانی متعهد به حقوق شکل نگرفته - بی معناست، در این قرارداد، برد با وضعیت شهروندی است.

اینک می توان سنجشگرانه پرسید که در وضعیت شهروندی چگونه می توان همان میزان از آزادی را که انسان در وضعیت طبیعی از آن برخوردار بوده است، برایش تضمین کرد؟ روسو تلاش می کند این پرسش را از طریق نوعی تعدیل در مفهوم آزادی مستدل سازد. او میان «آزادی طبیعی»، «آزادی شهروندی» و «آزادی اخلاقی» تفکیک قائل می شود. به نظر او، این آزادی اخلاقی است که انسان را به حاکم واقعی خویش تبدیل می کند. انسان باید خود را از انگیزشهای غریزی، خودخواهانه و منفعت طلبانه وارهاند و مطیع قانونی در یک جمع انسانی نماید، قانونی که البته خود مقرر کرده است. تنها فرمانبری از قانونی که خود انسان مقرر کرده است، به معنی آزادی است و انسان به معنای واقعی کلمه فقط زمانی در یک جامعه ی شهروندی آزاد است که با احترام به قانونی که خود مقرر کرده است، رفتار کند.

به این ترتیب، روسو تلاش می کند به شیوه ی خود، میان طبیعت و خرد و به عبارت دیگر میان «حق طبیعی نامحدود» و «حق خردمندانه ی محدود» میانجیگری کند. هدف او رسیدن به میانگین و موازنه ای میان آزادیهای طبیعی، شهروندی و اخلاقی است. و فقط به این مفهوم، آزادی نزد روسو یک حق بشری است. به نظر روسو، جامعه ی شهروندی ناشی از قرارداد اجتماعی، باید آزادی واقعی را تضمین نماید. اگر بخواهیم دقیق تر بگوییم، روسو آن آزادی را بقیه در صفحه ۱۷

بهرام محبی فلسفه ی حقوق بشر (گفتار هشتم)

ژان ژاک روسو و حقوق بشر



ژان ژاک روسو (Jean-Jacques Rousseau) متفکر سوئسی، در سده ی هجدهم و اوج دوره ی روشنگری اروپا می زیست. اندیشه های او در زمینه های سیاسی، ادبی و تربیتی، تأثیر بزرگی بر معاصران گذاشت. نقش فکری او که سالها در پاریس عمر سپری کرد، به عنوان یکی از راهگشایان آرمانهای انقلاب کبیر فرانسه قابل انکار نیست. اگر چه روسو، از نخستین روشنگرانی است که مفهوم حقوق بشر را بطور مشخص به کار گرفت، اما نزد او از این مفهوم تنها می توان به معنایی ویژه و محدود سخن به میان آورد. در مجموع باید گفت که وی رادیکال تر از هابس و لاک می اندیشید.

برای روسو، صرفنظر کردن انسان از آزادی، به معنی صرفنظر کردن از خصلت انسانی و «حق بشری» است. آزادی به مثابه آزادی اراده، قابل چشمپوشی نیست، چرا که این آزادی، پیش شرط انسان بودن و آیین اخلاقی انسانی به حساب می آید. به این ترتیب، ما نزد روسو شاهد تحولی در مفهوم انسان هستیم. انسان برای او تنها هنگامی انسان به معنای واقعی کلمه است که آزاد باشد. برای روسو همه ی انسانها از بدو زایش آزاد و برابرند. بدینسان می توان تشخیص داد که روسو در سنت طرح هابس، در زمینه ی حق طبیعی سکولار می اندیشد. البته روسو در بسیاری زمینه ها از آرای هابس فاصله می گیرد.

به نظر روسو، انسان در «وضعیت طبیعی» علیرغم برخورداری از آزادی نامحدود ظاهری، به معنای واقعی کلمه آزاد نیست، بلکه موجودی است که امیال بهیمی و خودخواهانه ی نهفته در وجودش، انگیزشها و رانشهای او را متعین می سازد. انسان زمانی به معنای واقعی کلمه آزاد است که به ذاتی اخلاقی ارتقاء یابد و به عنوان «شهروند» از قوانینی که خود تدوین نموده است، پیروی کند.

روسو خاطر نشان می سازد که در گذار از «وضعیت طبیعی» به «جایگاه شهروندی»، تغییری جدی صورت می پذیرد. اما این تغییر، خصلتی تکوینی یا تکاملی یا حتا طبیعی ندارد، بلکه تغییری هنجاری است. انسان در وضعیت شهروندی، به ذاتی اخلاقی تبدیل می گردد و کنش خود را در چارچوب هنجارها، در راستای خیر عمومی و رفاه اجتماعی سمت می دهد و باید سمت دهد. پس اگر آزادی طبیعی همه ی افراد، آزادی

گزارش جامعه بین المللی حقوق بشر

بعد از انتصاب رئیس جمهور جدید

نقض حقوق بشر در ایران همچنان ادامه دارد



- جمهوری اسلامی ایران حقوق بشر را رعایت نکرده و آن را نقض می کند. محمود احمدی نژاد، به عنوان نماینده رژیم تروریسم دولتی ایران از ابتدا در بسیاری از موارد نقض سیستماتیک حقوق بشر دخالت مستقیم داشته و مسئول اعدام بسیاری از مخالفان رژیم می باشد. او هم چنین متهم به دست داشتن در ترورسه تن ار مخالفین کرد رژیم در وین است.

- مسئله کردها در ایران به ویژه در این اواخر ابعاد جدید تری یافته است. در ایران حدود ۶ میلیون کرد زندگی میکنند. از ماهها پیش کردها برای بیان و تحقق خواسته های دموکراتیک و آزادیخواهانه خویش در خیابانها به اعتراض دست زده اند. آنها به ویژه مورد ستم و تحت تعقیب، شکنجه و اعدام قرار دارند. با انتخاب رئیس جمهور جدید اوضاع کردستان وخیم تر شده و دولت آلمان در این رابطه سکوت اختیار کرده است. علاوه بر کردها وضعیت به خصوص مخالفین رژیم، فعالین حقوق بشر، و کلا، روزنامه نگاران، فعالین جنبش زنان، هم جنسگرایان و وخیم تر شده که ما در آخرین بیانیه، لیستی از این موارد را ضمیمه کرده ایم.

- جامعه ما بارها به روشنی نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران را محکوم نموده است. ما همچنین سیاست پناهندگی دولت آلمان را محکوم میکنیم که "قبولی پناهندگی" کسانی را که سال هاست در اینجا زندگی میکنند، پس گرفته و آنان را در خطر استرداد به کشورهايشان قرار داده است (مراجعه شود به بیانیه مطبوعاتی لیگا در ۲۸ ژانویه ۲۰۰۵). این اقدام بر خلاف میثاق های بین المللی بوده و به موجودیت اجتماعی انسان ها آسیب می رساند و مصونیت آنان را در مقابل خط استرداد به دولت هائی که آنان در آنجا در خطر تعقیب، شکنجه، آزار و مرگ قرار دارند، از آنان سلب می کند. مورد زهرا کاملی (او البته جزو قبولی ها نبود)، این واقعیت را نشان میدهد که پناهندگان ایرانی علیرغم شرایط اسفبار حقوق بشر و خطر جدی می توانند به ایران دیپورت بشوند. به همت اعتراضات عمومی و اقدام خلبان شجاع هواپیما که حاضر نشد زهرا کاملی را که حالش بسیار بد بود، علیرغم میلش به تهران برسد، جلوی دیپورت او در آخرین لحظات گرفته شد. زهرا کاملی به اتهام "خیانت به شوهر" و پذیرش مسیحیت در ایران در خطر شکنجه، سنگسار و مرگ قرار داشت.

- جامعه بین المللی حقوق بشر از تمامی مقامات مسئول ایالتی و دولت آلمان میخواهد که انسان هائی را که در خطر قرار دارند، به ایران و یا به سایر کشورهای دیگر که وضع حقوق بشر اسفباری دارند، پس نفرستند. ما هم چنین متأسفیم که دولت آلمان امسال هیچگونه قطعنامه برای محکومیت ایران به دلیل نقض سیستماتیک و دولتی حقوق بشر به نشست اخیر کمیسیون حقوق سازمان ملل متحد ارائه نداد. ما این اقدام را یک ننگ بین المللی تلقی می نمایم زیرا که جهان شمولی حقوق بشر را تحت پوشش مبارزه با تروریسم بین المللی (که تاکنون ناموفق هم بوده) و مذاکرات اتحادیه اروپا بر سر برنامه هسته ای ایران مورد مصالحه قرار داده است. به نظر ما مذاکره بر سر حقوق بشر با ایران نباید تحت الشعاع منافع استراتژیک - نظامی و اقتصادی سیاست خارجی آلمان و اتحادیه اروپا قرار گیرد.

- ما بر این عقیده ایم که به ویژه در شرایط ریاست جمهوری جدید ایران، آلمان و اتحادیه اروپا پیرامون رعایت حقوق بشر در ایران باید پیگیری کنند. آنها باید به میثاق های بین المللی عمل کرده و با تمامی امکانات خویش ایران را مجبور نمایند که به نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران پایان دهد و هیئت های مستقل بین المللی امکان بازدید و تحقیق در ایران را بیابند.

دکتر رلف گستر - دبیر کل جامعه بین المللی حقوق بشر

میلا مسافر - عضو هیئت مدیره جامعه بین المللی حقوق

بخشی از موارد جدید نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران:

• سرکوب کردها:

در اواسط ماه جولای امسال در شهر کردنشین مهلباد یکی از فعالین سیاسی به نام کمال اسفارون به قتل رسید. او در رابطه با حقوق کردها فعال بود. دولت ایران به جای دستگیری قاتلین او، کمال اسفارون را که به نام شوانه سید قادری معروف بود متهم به شورش و مسائل جنائی نمود. شکنجه و قتل علنی او توسط ماموران انتظامی در تهران موجب خشم مردم کردستان شد. در اعتراض به این اقدام بیرحمانه نیروهای انتظامی مردم در شهرهای کردستان دست به اعتراض زده و مغازه های خود را تعطیل نموده و دست به مقاومت مردمی در مقابل تهاجم هر روزه ماموران انتظامی زدند که به کشته شدن ده نفر و زخمی و دستگیر شدن صد ها نفر انجامید. در دوم اوت دو روزنامه اشتهی و آسو تعطیل شد. دکتر رویا طلوعی از فعالین بخش حقوق بشر و زنان به اتهام "شورش" و "بهم زدن امنیت ملی" دستگیر شد. او از منافع خلق کرد به عنوان شهروندان ایران دفاع می نمود. در گزارش سازمان ملل نیز رژیم ایران به تحقیر خلق کرد و سایر اقلیت های قومی متهم شده است: در مناطق کرد نشین وضعیت تامین برق و آب بسیار اسفناک است و از امکانات بهداشتی خبری نیست.

بقیه در صفحه ۲۱

• ۱ به یاد سلطانی، برای عدالت

گزارش برگزاری سمینار « دادرسی عادلانه » توسط کانون مدافعان حقوق بشر



شروط دادرسی عادلانه

در ابتدای این سمینار محمد سیف‌زاده، عضو کانون مدافعان حقوق بشر به بیان شرایط دادرسی عادلانه پرداخت. وی با بیان اینکه مقصود از دادرسی عادلانه دادرسی‌ای است که بر مبنای عدالت انجام شود، به مجموعه شروطی که یک دادرسی عادلانه و منصفانه را

محقق می‌کند، اشاره کرد و گفت: اولین شرط دادرسی عادلانه داشتن یک دستگاه قضایی مستقل است که بدون این استقلال، تصور دادرسی منصفانه غیرممکن است. دومین شرط تحقق یک دادرسی عادلانه بی‌طرف قضات در دادرسی‌هاست، قاضی باید طوری قضاوت کند که شائبه دل‌بستگی وی به یکی از طرفین پرونده به وجود نیاید و در رسیدگی به پرونده نباید جانب مدعی‌العموم یا متهم را بگیرد، بلکه باید به فکر انجام یک دادرسی عادلانه باشد.

وی انجام تحقیقات مقدماتی را سومین شرط انجام دادرسی عادلانه خواند و گفت: سومین شرط رعایت اصول قانونی بر تحقیقات مقدماتی است، به این معنی که هیچ کس را نمی‌توان بدون دلیل و مدرک دستگیر کرد و برگه جلب هم باید همانند برگه احضاریه دارای مشخصاتی باشد و در تفتیش منازل هم این تفتیش باید با حکم قاضی و با حضور صاحب‌خانه انجام شود و دلیل تفتیش منزل هم در حکم قاضی ذکر شده باشد. اصل ممنوعیت تفتیش عقاید نیز از دیگر شرط‌های یک دادرسی عادلانه است که طبق این اصل قاضی حق تفتیش عقاید را ندارد و در صورت انجام این عمل خلاف قانون، متهم حق دارد به سوالات بازپرس پاسخ ندهد.

عضو کانون مدافعان حقوق بشر اصل آزادی بیان و نشر آن را از دیگر شرط‌های یک دادرسی عادلانه ذکر کرد و گفت: طبق اصل ۲۴ قانون اساسی هرکس حق دارد مطالب خود را منتشر کند، حتی در محاکمات نیز فرد متهم باید با آزادی کامل بتواند از خود دفاع کند و بازپرس نیز حق ندارد، در کلام وی توقف ایجاد کند و سوالات خود را به وی تلقین کند. وی در ادامه ضمن انتقاد به قانون مطبوعات مصوب سال ۷۹، گفت: این قانون چون آزادی‌های مردم را محدود کرد، به استناد اصل ۹ قانون

اساسی هیچ‌گونه ارزش قانونی ندارد. اصل ممنوعیت استراق سمع از دیگر شرط‌های یک دادرسی عادلانه است، طبق این اصل هیچکس حق ندارد مکالمات افراد را شنود و استراق سمع کند. این موضوع در قانون اساسی بدون قید و شرط ذکر شده است. وی حق دادخواهی را از دیگر شرط دادرسی عادلانه ذکر کرد و اظهار داشت: به موجب اصل ۱۳۴ قانون اساسی این اصل از اصول مسلم و تردیدناپذیر مردم است. حق مطلق استفاده از وکیل نیز از جمله شرط‌های تحقق یک دادرسی عادلانه و منصفانه است، طبق قانون یک امر مقید به مرحله خاصی از دادرسی نیست. سیف‌زاده در ادامه اصل قانون بدون جرم و مجازات، اصل ممنوعیت شکنجه، اصل ممنوعیت هتک حرمت، اصل ممنوعیت تبعیض، اصل علنی بودن محاکمه و اصل نحوه تشکیل دادگاه و محاکمه را از دیگر شرط‌های تحقق یک دادرسی عادلانه و منصفانه عنوان کرد.

وی ضمن انتقاد از نحوه رسیدگی به پرونده امیر شیخان، افشین زارع و مجتبی سميع نژاد؛ موکلان وبلاگ نویسنش از رئیس قوه قضاییه خواستار تعیین بازپرس ویژه‌ای برای رسیدگی به پرونده سميع نژاد شد.

تقی رحمانی: تلاش برای جلوگیری از وکالت سیاسی ها توسط وکلا

تقی رحمانی از زندانیان ملی‌مذهبی دیگر سخنران این سمینار بود که در سخنانی از وجود اراده‌ای برای جلوگیری وکلا از پذیرش پرونده متهمان سیاسی خبر داد.

وی با اشاره به بازداشت عبدالفتاح سلطانی وکیل دادگستری، گفت: رفتار قانونمند با وکلا یک ضرورت است و نباید طوری عمل کرد که وکیلی حاضر به پذیرش پرونده‌های سیاسی نشود.

تقی رحمانی که در سمینار دادرسی عادلانه سخن می‌گفت، ایستادگی سلطانی بر عقاید خود در پذیرش پرونده‌های سیاسی را ستود و گفت: متأسفانه در برخی موارد در زندان و در یک محیط بسته جملاتی از متهم می‌خواهند که اصلاً نیت زندانی نبوده است. اگر به این جملات تن دهد، فردا مجبور می‌شود که تکذیب کند و براساس آن اعتراضات نیز مورد محاکمه قرار می‌گیرد. وی با بیان این که ایران تا تحقق کامل موازین حقوق بشر راه درازی را در پیش دارد، تصریح کرد: ایستادگی سلطانی بر موازین قانونی و عقاید خود تاکنون برای من جالب و لذت بخش بوده است. رحمانی با تأکید بر این که وظیفه قانون این است که عدالت را اجرا کند، گفت: در بحث پرونده سلطانی، عدالت رعایت نشده است. قانون زمانی ارزش دارد که عدالت محقق شود. این فعال سیاسی در مورد بحث سلول انفرادی، گفت: حالت انفرادی، حالت انفرادی است، چه سوئیت باشد چه سلول. حتی وقتی یک زندانی از برخی امکانات مانند ارتباط با خانواده و وکلا محروم می‌شود و دسترسی به تلفن هم ندارد، یک حالت انفرادی به وجود می‌آید. وی افزود: امروز طوری عمل شده است که کمتر وکیلی حاضر به پذیرش وکالت متهمان سیاسی است.

دادخواه؛ داستان درد آور استفاده از وکیل در محاکم ایران

در ادامه این سمینار محمدعلی دادخواه، عضو کانون مدافعان حقوق بشر با بیان این که داستان استفاده از وکیل در محاکم قضایی ایران داستان را دردآوری است، تصریح کرد: طبق قانون از زمره ارکان اصلی دادگاه، حضور وکیل در جلسه دادرسی است.

وی افزود: حتی در صورتی که متهمی قادر به اختیار وکیل نیست، این وظیفه دادگاه است که برای وی وکیل اختیار کند.

وی در ادامه ضمن انتقاد از ادامه ساخت و آنگیری سد سیوند که میراث فرهنگی و آثار باستانی ایران را با تهدید مواجه کرده است، گفت: با آنگیری این سد قبر داریوش، کوروش و پاسارگاد زیر آب خواهد رفت و این امر، آثار باستانی ما را تهدید می‌کند. تنها طالبان بودند که به توصیه های یونسکو بها ندادند و مجسمه‌های بودا را تخریب کردند.

شیرین عبادی: دادرسی اتهامات سیاسی منطبق با حقوق بشر نیست

اما مهمترین سخنران دیروز شیرین عبادی، برنده صلح نوبل در سال ۲۰۰۳ بود که علیرغم ناراحتی جسمی در ناحیه گردن در سمینار حضور یافت و سخنرانی نیز کرد.

وی در این سمینار ابتدا گفت: به اعتقاد اکثر حقوقدانان جرایمی نظیر تبلیغ علیه نظام، اقدام به براندازی و برهم زدن امنیت داخلی، جنبه سیاسی دارد و اگر اینها جرم سیاسی نیست، پس چه نوع جرمی، سیاسی محسوب می‌شود. وضع قوانین مناسب، وجود محاکمه و قضات مستقل و بی‌طرف و آگاه به مسایل حقوقی و دخالت وکلا از بدو تفهیم اتهام تا پایان دادرسی، از جمله این عناصر است.

وی در توضیح عنصر وضع قوانین مناسب، گفت: طبق قانون اساسی رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی باید به صورت علنی و باحضور هیات منصفه برگزار شود و در قانون اساسی آمده است که جرم سیاسی را قانون تعریف می‌کند. متأسفانه با گذشت ربع قرن از تصویب قانون اساسی به دلیل کم‌کاری قوه مقننه، جرم سیاسی تعریف نشده است که تاوان آن را مردم به خصوص متهمان سیاسی می‌پردازند.

عبادی همچنین در مورد عنصر محاکمه و قضات مستقل و بی‌طرف و آگاه به مسایل حقوقی، گفت: وقتی حکم پرونده کنفرانس برلین صادر شد، ما به رای دادگاه بدوی اعتراض کردیم که پرونده در دادگاه تجدیدنظر و زیر نظر قاضی بخشی، مطرح شد که وی نیز عده‌ای از متهمان پرونده را تبرئه و برای برخی دیگر مجازات‌های خفیفی در نظر گرفت که بلافاصله نیز شغل خود را از دست داد و این پرونده مشتی نمونه از خروار است.

عضو موسسه کانون مدافعان حقوق بشر در مورد عنصر دخالت وکیل در مراحل دادرسی، گفت: کسی که از متهم دفاع می‌کند، آگاه به مسایل حقوقی است و باید دارای امنیت شغلی باشد. در ایران وضعیتی پیش آمده

است که وکلا کمتر رغبت می‌کنند که دفاع از متهمین سیاسی را برعهده بگیرند. وی تصریح کرد: سلطانی و دادخواه به جرم دفاع از پرونده اعضای نهضت آزادی و ملی‌مذهبی‌ها مدت چهار ماه را در زندان سپری کردند و بنده نیز در پرونده کوی دانشگاه که به نوارسازان موسوم شد، مدتی را به زندان رفته و ناصر زرافشان به خاطر دفاع از پرونده قتل‌های زنجیره‌ای به زندان افتاد.

عبادی با تأکید بر این که وکیل الزاماً هم عقیده موکلش نیست، بلکه از او دفاع می‌کند، تصریح کرد: در پرونده‌ای، وکیلی به خاطر این که از پرونده حزبی دفاع می‌کرد، متهم به همکاری با آن حزب شد. سلطانی هم از کسی دفاع کرد که می‌گویند اتهامش جاسوسی است، اما دلیلی وجود ندارد که سلطانی هم بخواهد هم راستا با موکلش باشد، بلکه سلطانی فقط وظیفه دفاع از موکلش را برعهده داشت. این گونه با وکلا برخورد کردن، رغبت دفاع از متهمین سیاسی را از وکلا می‌گیرد.

این وکیل دادگستری با بیان این که در برخی پرونده‌ها اجازه ورود وکیل به مرحله بازپرسی داده نمی‌شود، گفت: این در حالی است که از "ب" بسم‌الله، باید وکیل در بازپرسی حضور داشته باشد. وکیل باید بر مرحله بازپرسی و بازجویی نظارت داشته باشد.

عبادی تأکید کرد: جلسات دادرسی اتهامات سیاسی در ایران منطبق با موازین حقوق بشر نیست.

شریف: مفتخرم به دفاع از شریف ترین انسانها

بعد از عبادی این محمد شریف بود که سخنرانی کرد. وی که یکی چندین وکیل عبدالفتاح سلطانی نیز هست در بخشی از سخنان خود با اشاره به سابقه همکاری خود با سلطانی در پرونده‌های سیاسی، گفت: سلطانی اعتقاد راسخی به کرامت بشری، ایمان به دموکراسی و تلاش وافر در راه گسترش و اشاعه حقوق بشر داشت.

وی افزود: بنده مفتخرم که دفاع از شریف‌ترین و پاک‌ترین انسان‌ها را بر عهده داشتم و از این جهت خداوند متعال را شاکرم.

رضا علیجانی: در ایران سلول انفرادی وجود دارد

رضا علیجانی، دیگر فعال ملی-مذهبی نیز در این سمینار گفت: سلطانی نشان داد که به اصول قانونی و عقاید خود پایبند است و از کرامت انسانی دفاع می‌کند.

وی اظهار داشت: انسان شگفت‌زده می‌شود زمانی که می‌شنود در ایران سلول انفرادی وجود ندارد. دروغ در فرهنگ ملی، بومی و مذهبی ما ناشایست است، حتی انفکاک زندانی از بند عمومی خود یک نوع انفرادی است. وی افزود: در کشور ما دموکراسی یک ماراتن طولانی است که باید فراز و نشیب‌های آن طی شود، در ایران بین انگیزه دستگیری یک نویسنده با دستگیری وی متفاوت است، اگر بهانه‌ای برای دستگیری مطرح می‌شود، این بهانه چیزی دیگری است.

این عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت تصریح کرد: سلطانی حق بزرگی بر گردن جنبش دانشجویی دارد و نقطه اتکایی برای دانشجویان بازداشت شده بود.

وی ادامه داد: ما که می‌گوییم در پرونده هسته‌ای مان مخفی‌کاری نداریم، پس نباید نگران افشای حرف‌های یک جاسوس هسته‌ای باشیم که حال بخواهیم وکیل این جاسوس را هم دستگیر کنیم، بنابراین باید عنوان کرد که جاسوس خواندن سلطانی بهانه‌ای بیش نیست.

این فعال جنبش دانشجویی، هدف از دستگیری سلطانی را محروم کردن جامعه و کلا و جنبش دانشجویی از داشتن وکیلی همچون سلطانی عنوان کرد و گفت: اگر عده‌ای قصد داشته باشند چهره سلطانی را در بازجویی‌ها مخدوش کنند، باید بدانند که آب در هاون می‌کوبند، چون سلطانی یک وکیل شجاع است.

نرگس محمدی، عضو کانون مدافعان حقوق بشر نیز در سخنانی در این سمینار، گفت: هر متهمی جدای از اتهامش برخوردار از حقوق شهروندی و حقوق انسانی است که باید از آن دفاع کرد.

وی افزود: سلطانی از جمله وکلایی است که صرف‌نظر از اتهام افراد، وکالت متهمین را می‌پذیرفت. سلطانی رویکردی حقوق بشر دوستانه داشت و به کار خود ایمان داشت.

این زندانی ملی - مذهبی ادامه داد: همانطور که سلطانی دوستانش را تنها نگذاشت دوستان وی نیز نباید وی را تنها بگذارند.

شریفی: دفاع از سلطانی دفاع از فرد نیست

در ادامه این سمینار، حجت‌الله شریفی، عضو ادوار تحکیم وحدت در سخنانی اظهار داشت: وکلایی مثل سلطانی و شریف مأمی برای دانشجویان بی‌پناه بودند، بخشی از جنبش دانشجویی سال‌های اخیر را سلطانی و شریف تشکیل می‌دهند.

وی افزود: دفاع از سلطانی دفاع از فرد نیست، بلکه دفاع از وجدان عمومی و حقوق انسانی است که به رسالت خود در پاسداری از قانون عمل می‌کرد، هر اثر بخشی در جنبش دانشجویی بدون ذکر سلطانی و شریف بی‌انصافی است. امروز سلطانی تاوان شجاعت و حق‌خواهی دانشجویان را می‌پردازد.

حقیقت جو: از نقض حقوق بشر متاسفم

فاطمه حقیقت‌جو، نماینده مجلس ششم نیز در سخنانی در سمینار دادرسی عادلانه، گفت: باید ابراز تاسف کرد که حقوق بشر در ابعاد بزرگتری در حال نقض است. وکلا از هرگونه تعرض مصونیت دارند، اما متأسفانه شاهدیم که امروز حقوق یک وکیل که مدافع مظلوم است، به مخاطره می‌افتد. وی افزود: امروز طوری شده است که تعداد انگشت شماری از وکلا مسوولیت پرونده‌های سیاسی را برعهده می‌گیرند که علت این امر نیز هزینه‌های زیادی است که این پرونده‌ها در بردارد. عده‌ای با تحت فشار قرار دادن وکلا می‌خواهند، این پیام را بفرستند که وکالت پرونده‌های سیاسی چنین هزینه‌هایی را به دنبال دارد.

حقیقت‌جو تصریح کرد: کانون وکلای دادگستری تا کی می‌خواهد در قبال دستگیری سلطانی سکوت اختیار کند و اجازه دهد که به حقوق‌شان تعرض شود.

علی افشاری: جاسوس خواندن سلطانی بهانه‌ای بیش نیست

در ادامه این سمینار، علی افشاری، عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت نیز در سخنانی با بیان اینکه به دلیل آشنایی با سلطانی از سال ۷۸ تاکنون، با قاطعیت می‌گویم که تمام اتهامات رسمی و غیر رسمی انتسابی به سلطانی، بی‌اساس است، گفت: سلطانی تاوان پیگیری‌های خود در پرونده‌های سیاسی را می‌پردازد، سلطانی می‌توانست همانند سایر وکلا زندگی کند، اما وقت خود را صرف دفاع از حقوق بشر، حقوق شهروندی و عدالت کرد.

افشاری افزود: این شتری است که دم خانه همه وکلای پرونده‌های سیاسی می‌خوابد. کانون وکلا باید چاره‌ای در این مورد بیندیشد. اگر به حقوق قضات تعرض شود، در حقیقت امر وکالت و حقوق همه وکلا مورد تعرض قرار گرفته است.

● ۲ فعالین حقوق بشر همواره تحت ستم هستند

تبریز نیوز: سرویس حقوق بشر: تلاش هیات موسس "کانون مدافعان حقوق بشر" جهت دریافت مجوز تاسیس از کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب بیش از سه و نیم سال است که از دوران دولت گفتگوی تمدن‌ها آغاز شده و هم چنان ادامه دارد.

در این خصوص "پیمان پاک مهر" گفتگویی با "شیرین عبادی" رییس کانون مدافعان حقوق بشر، انجام داده است که در زیر می‌آید.

تبریز نیوز: "کانون مدافعان حقوق بشر" بیش از سه سال است که فعالیت خود را در دوران دولت اصلاحات آغاز کرده است آیا در این مدت موفق به دریافت مجوز تاسیس از کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب شده اید؟

"شیرین عبادی": حدود سه سال و نیم پیش من و سایر اعضا موسس این کانون به فکر تاسیس "کانون مدافعان حقوق بشر" افتادیم و از همان ابتدا به وزارت کشور رفته و درخواست نمودیم که مجوزی برای تاسیس صادر کنند هر چند به موجب مقررات قانون اساسی تشکیل انجمن‌ها نیازی به صدور مجوز از ناحیه حکومت ندارد زیرا که اصل بر آزادی است و قانون اساسی نیز مقرر داشته احزاب و انجمن‌ها آزاد هستند و فقط در صورتی که حزب یا انجمنی بخواهد از مزایایی که حکومت مقرر

مدافعان حقوق بشر" به عنوان یک نهاد حقوق بشری برنده جایزه ای نیز از سوی "کمیسیون ملی حقوق بشر فرانسه" نیز شده است. طبق تصمیمی که مجمع عمومی به اتفاق آرا گرفت ما تنها انجمن حقوق بشری بودیم که قبل از آن که در داخل کشور پروانه فعالیت داخلی بگیریم در یک فدراسیون بین المللی به ثبت رسیدیم.

تبریز نیوز: "کانون مدافعان حقوق بشر" در کل چه وظایفی بر عهده دارد؟ شیرین عبادی: وظیفه کانون بر سه محور عمده خلاصه می شود: ۱- اعلام موضع در موارد نقض آشکار حقوق بشر ۲- دفاع رایگان از متهمین عقیدتی و سیاسی ۳- کمک به خانواده زندانیان سیاسی و عقیدتی و در این ارتباط به طور مرتب هفته ای ۲ اعلامیه صادر شده و بیش از ۳۰۰ پرونده نیز توسط اعضا این کانون به رایگان دفاع شده است. اغلب پرونده ها مربوط به دانشجویان، روزنامه نگاران، نویسندگان و فعالین اجتماعی و سیاسی بوده است.

تبریز نیوز: به نظر شما کدام پرونده ها در کانون دارای حساسیت بیشتری بود؟

شیرین عبادی: از دید من تمامی پرونده ها دارای حساسیت است. ما نمی توانیم پرونده ای را مهم تر از پرونده دیگر بدانیم زیرا حتی یک مورد نقض حقوق بشر نیز جایز نیست.

تبریز نیوز: آیا در خصوص آموزش حقوق بشر هم در این کانون کاری انجام گرفته است؟

شیرین عبادی: یکی از اهداف "کانون مدافعان حقوق بشر" آموزش حقوق بشر است که در این ارتباط هر ماه یک کنفرانس خبری پیرامون یکی از مسایل روز جامعه تشکیل می دهیم و از افراد مختلف دعوت می کنیم در آن خصوص بحث و گفتگو کنند. ضمناً کلاس های آموزشی در سطوح مختلف نیز برنامه ریزی شده است و در این ارتباط می توان به دوره آموزشی حقوق بشر برای "خبرنگاران" اشاره کرد.

تبریز نیوز: و اقبال عمومی به کانون ...

شیرین عبادی: اقبال عمومی هم وطنان به این کانون بسیار خوب و حتی بیش از انتظار ما بود. از اقصی نقاط ایران از ما استمداد می طلبند و این علامتی است برای این که کانون توانسته پایگاه خود را بیابد.

تبریز نیوز: شما عضو هیات موسس "انجمن حمایت از حقوق کودکان" نیز هستید. این انجمن هم اکنون چند عضو دارد؟

شیرین عبادی: در ابتدا باید بگویم حقوق بشر طیف بسیار وسیع و گسترده دارد من یکی از موسسین "انجمن حمایت از حقوق کودکان" هستم. این انجمن ۷ سال قبل تاسیس شد و هم اکنون حدود ۵۰۰ عضو دارد و منشا خدمات بسیاری شده و توانسته در اصلاح چند قانون نیز موثر واقع شود. وقتی صحبت از حقوق کودکان می کنیم کنوانسیون اصول حقوق بشر را تکرار می کند.

کرده برخوردار شود نیازمند کسب مجوز است. البته اعضا موسس کانون مدافعان حقوق بشر چشم داشتی به کمک حکومت نداشتند، اما چون می خواستیم این مساله را اثبات کنیم که هدف ما فعالیت در محدوده قانون می باشد و ما حزب یا گروهی زیر زمینی نیستیم و خود را فراقانون نمی دانیم بنابراین به وزارت کشور مراجعه و در خواست مجوز کردیم. کلیه مراحل طی شد پرونده در کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب هم مطرح گردید، اما بنابر دلایلی که هنوز هم بر ما روشن و مشخص نیست تاکنون از صدور پروانه فعالیت خودداری کرده اند. البته این اقدام خلاف قانون وزارت کشور مانع از انجام فعالیت های ما نشده است و ما فعالیت های خود را انجام می دهیم.

تبریز نیوز: آیا وزارت کشور دلایل خود را به صورت کتبی یا حتی شفاهی به شما اعلام کرده است؟

شیرین عبادی: بدون ارایه دلیل قانونی از ثبت ما در ایران جلوگیری کرده و هیچ دلیل کتبی یا شفاهی اعلام نمی کنند.

تبریز نیوز: چرا در دولت خاتمی نتوانستید مجوز بگیرید؟

شیرین عبادی: این نکته ای است که قادر به پاسخگویی نیستم زیرا علت آن را نمی دانم. به نظر می رسید در حالتی که ریاست جمهوری بر عهده آقای خاتمی و مسیولیت وزارت کشور بر عهده موسوی لاری بود باید به ما مجوز می دادند اما این طور نشد و بیش از ۱۰۰ بار من و سایر همکاران به وزارت کشور مراجعه کردیم و هر بار از سوی مسیولین پاسخ شنیدیم که انشاءالله مجوز صادر خواهد شد اما مجوزی صادر نشد.

تبریز نیوز: وزارت کشور دولت خاتمی در حالی از صدور پروانه فعالیت "کانون مدافعان حقوق بشر" که شما ریاست آن را به عهده دارید خودداری کرده است که این کانون در "فدراسیون بین المللی جوامع حقوق بشر" به ثبت رسیده است. می خواستم در این مورد توضیح بیشتری بدهید.

"شیرین عبادی: علیرغم این که وزارت کشور از صدور پروانه فعالیت کانون خودداری می کند ولی نام "کانون مدافعان حقوق بشر" در "فدراسیون بین المللی جوامع حقوق بشر" به ثبت رسیده است. مرکز این فدراسیون بین المللی در شهر پاریس و بیش از ۹۰ کشور در آن عضو هستند، نکته جالب تر آن که به موجب مقررات فدراسیون ثبت در فدراسیون بین المللی مستلزم ثبت ملی در داخل کشور می باشد، اما چون بدون هیچ مجوز قانونی وزارت کشور از صدور مجوز امتناع نمود، با اعلام این مراتب پس از ۲ سال "کانون مدافعان حقوق بشر" در این فدراسیون بین المللی به ثبت رسید. بطوریکه موضوع درخواست ما در مجمع عمومی فدراسیون مطرح شد و مجمع مذکور که در کشور کلمبیا در شهر "وگوتا" تشکیل شده بود من حضور یافته و اعلام داشتم که یکی از موسسین این کانون برنده جایزه صلح نوبل است. علاوه بر آن "کانون

● ۳ کانون مدافعان حقوق بشر و تنظیم کیفر خواست

علیه صدام

تبریز نیوز: سرویس حقوق بشر: جهانیان، حامیان و دولتمردان کنونی عراق "صدام حسین" را آغازگر جنگ نابرابر علیه ایران معرفی کردند ولی در خبرها آمده بود که در دادگاه این "دیکتاتور شرق"، به جنایات وی در جنگ علیه ایران رسیدگی نخواهد شد. در این خصوص "پیمان پاک مهر" گفتگویی با "محمد علی دادخواه"، عضو هیات موسس کانون مدافعان حقوق بشر ایران انجام داده است که در زیر آمده است:

تبریز نیوز: "آقای دادخواه" در خبرها آمده بود که در دادگاه "صدام"، به جنایات وی در جنگ علیه ایران رسیدگی نخواهد شد. این نگرانی ایجاد شده که موضوع جنایت صدام در جنگ ۸ ساله و پرداخت غرامت به ایران در پرونده محاکمه وی به حاشیه کشیده شود. به نظر شما در کنار سایر دلایل سیاسی و بین المللی حاکم بر این دادگاه آیا تاخیر در تنظیم کیفر خواست توسط دولت مردان جمهوری اسلامی ایران می تواند دلیلی بر کاهش حساسیت رسیدگی بر جنایات وی علیه ایران در این دادگاه شود؟

"محمد علی دادخواه": حق آن بود که مدیریت قوه قضاییه در اولین روزهای سقوط صدام با جلب نظر آگاهان، دلسوزان و حقوق دانان نسبت به تهیه این کیفر خواست اقدام می کردند. اکنون بیش از دو سال از سقوط صدام می گذرد. به نظر می رسد که قوه قضاییه دیر می جنبد و از فرصت های طلایی بهره نمی جوید. با این همه اقدام فعلی قوه قضاییه را باید به فال نیک بگیریم، ولی اگر خواهان تاثیر موثر این کیفر خواست هستند باید گروه های ملی را که در این زمینه تخصص دارند به همکاری دعوت کنند.

تبریز نیوز: آیا کانون مدافعان حقوق بشر آمادگی لازم برای تنظیم کیفر خواست علیه صدام را دارد؟

"محمد علی دادخواه": کانون مدافعان حقوق بشر یکی از این مراجعی است که به حق توان، شایستگی و جدیت لازم را جهت تعقیب موضوع و تنظیم کیفر خواست دارد. همچنین جامعه وکلای دادگستری که مجمعی است تشکیل شده از وکلای شایسته و توانمند می توان بهره جست و با کسب نظرات آنان در پی تدوین یک کیفر خواست منطقی و موجه باشیم.

تبریز نیوز: این اقدام می تواند چه هدفی به دنبال داشته باشد؟

"محمد علی دادخواه": تامین خسارات ۸ سال دفاع شکوهمند مردمان این سرزمین و جلب و جذب افکار صلح دوستان و فرهیختگان سراسر گیتی، امریست که متأسفانه به آن اعتبار شایسته داده نشده است. با این همه باید معتقد بود که در صورت هماهنگی و بهره جستن از عقاید و آرا و

تبریز نیوز: آیا انجمنی هم چون "انجمن حمایت از حقوق کودکان" و "کانون مدافعان حقوق بشر" که اولی به حقوق کودک و دیگری به کلیت حقوق بشر نظر داشته باشد قبل از انقلاب ۵۷ در ایران وجود داشت؟

شیرین عبادی: نهادی که به کلیت حقوق بشر نظر داشته باشد و نه فقط به قسمتی از آن در ایران برای اولین بار در سال ۱۳۵۶ تاسیس شد. نام این نهاد "جامعه حقوق بشر ایران" بود و اعضای موسس آن مرحوم مهندس "مهدی بازگان گو آقایان دکتر "عبدالکریم لاهیجی" و حاج سید جواد بودند. این نهاد منشا خدمات بسیار زیادی نیز گردیده و در حقیقت چراغ حقوق بشر را در ایران روشن کردند.

تبریز نیوز: سرنوشت "جامعه حقوق بشر ایران" به کجا انجامید؟

شیرین عبادی: متأسفانه در سال های اولیه انقلاب از فعالیت باز ایستاد و برخی از موسسین مجبور به ترک ایران شدند. تا سال ها بعد صحبت از حقوق بشر در ایران نبود حتی به یاد دارم برخی از روزنامه های راست گرا هر وقت خواستند به من ناسزا گویند مرا فمینیست، لیبرال و طرفدار حقوق بشر خطاب می کردند و در حقیقت این کلمات را به منزله ناسزا به کار می بردند. اما به تدریج در اثر فعالیت های تک تک پیروان راستین حقوق بشر جو عوض شد و هم اکنون طرفداری از حقوق بشر یک ارزش اجتماعی است و بسیاری مدعی طرفداری از آن هستند هر چند که خود بعضاً ناقض آن نیز می باشند. در چنین حال و هوایی "کانون مدافعان حقوق بشر" پی ریزی شد.

تبریز نیوز: آیا کانون مدافعان حقوق بشر در ایران توانسته از گزند بی مهری ها در امان باشد؟

شیرین عبادی: فعالین حقوق بشر به دلیل فعالیت در زمینه حقوق بشر همواره مورد بی مهری حکومت ها بودند و این موضوع خاص ایران نیست. به طوریکه تقریباً در ۱۰ سال گذشته مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب اعلامیه ای به کلیه کشورها توصیه نمود که فعالین حقوق بشر می بایستی از مصونیت قضایی برخوردار شوند و این امر نشان از آن دارد که فعالین حقوق بشر در همه جای دنیا تحت ستم هستند. ایران نیز جدای از بقیه کشورها نیست. از جمله کلیه اعضا موسس "کانون مدافعان حقوق بشر" به جرم حمایت از حقوق بشر به زندان رفته اند. متأسفانه آقای سلطانی نیز اخیراً برای دومین بار در ارتباط با دفاع از یک پرونده سیاسی به زندان افتاده است.

جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران

Society of Human Rights in Iran
WWW.POLPIRAN.COM

که به محض اینکه سربازی سلاح بر زمین نهاد و تسلیم شد، دوباره به انسانی تبدیل می گردد که هیچکس حق ندارد، حق زندگی را از او سلب نماید.

ادامه اخبار ایران از صفحه ۴

آیا گنجی زنده است؟

عیسی سحرخیز با بیان این مطلب که در حال حاضر نمی توانیم درباره زنده بودن اکبر گنجی اظهارنظری کنیم تصریح کرد: از یک هفته پیش از مرخصی گنجی از بیمارستان میلاد و انتقال مجدد وی به اوین مسئولان



دادستانی اجازه هیچ گونه ملاقاتی را به خانواده گنجی نداده اند و در نتیجه نمی توانیم درباره وضعیت کنونی وی ابراز نظر کنیم. عضو تیم سه نفره دوستان گنجی در ادامه با اشاره به سخنان متناقض مسئولان قضایی درباره محل نگهداری اکبر گنجی افزود: برخی از مسئولان قضایی اعلام می کنند که گنجی به بند عمومی منتقل شده است و برخی دیگر می گویند وی در قرنطینه بهداشتی اوین بستری است. این تناقضات نشان می دهد که به احتمال زیاد گنجی دوباره دست به اعتصاب غذا زده است. وی در پایان گفت: همسر گنجی با مراجعه چندین باره به زندان خواهان ملاقات با گنجی مانند بقیه محکومان شده است، که متأسفانه مسئولان زندان اجازه ملاقات با گنجی را برخلاف رویه معمول زندان منوط به اجازه دادستان تهران کرده اند و با توجه به برخوردهای دادستانی و همچنین در اعتراض به این اقدام غیر قانونی خانم شفیعی اعلام کرده است که برای درخواست دیدار با گنجی به دادستانی مراجعه نمی کند. شایان ذکر است آمبلی لیگابو، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر و آزادی بیان و عقیده نیرظی بیانیه ای از حکومت ایران خواست "به خاطر انسانیت" به اکبر گنجی، روزنامه نگار زندانی "عفو نامشروط" اعطا کند و او را بیدرنگ آزاد سازد.

بقیه از صفحه ۱۸

بازداشت های مداوم بدون اجرائی تصمیمات مناسب در خصوص آنها تاکید کرد: گزارش های وزارت حقوق بشر عراق از بازداشت هفت هزار و سیصد تن در زندان های وزارت دادگستری، دو هزار و سیصد تن در زندان های وزارت کشور و صد و بیست تن در زندان های وزارت دفاع و نه هزار و ششصد تن نیز در زندان های نیروهای آمریکایی خبر داده است.

عنان در پایان گزارش خود خاطر نشان کرد: دولت عراق باید با به کارگیری نیروهای مناسب در بخش امنیتی از حقوق بشر و حقوق شهروندان عراقی حمایت کند.

نظریات مختلف حقوق دانان این مرز و بوم می توان کیفر خواست شایسته و قابل دفاعی را علیه صدام و رژیم دیکتاتوری تدوین و تنظیم شود.

تبریز نیوز: به نظر شما در چنین شرایطی عدم بهره جویی تاریخی دولت مردان چه تاثیری در سرنوشت مردم دارد؟

"محمد علی دادخواه" بی گمان یکی از بزرگترین اشکالات دولت ها عدم بهره جویی از فرصت های مناسب است. با وجود آن که کشور ما دارای ثروت وافر، تفاوت آب و هوا و زمینه های گسترده جلب توریسم و ثروت های زیر زمینی بسیار ارزشمند هستیم اما از قافله تمدن عقبیم. یکی از عوامل مهم این موضوع ضعف مدیریت بسیاری از ارگان ها است که متأسفانه ایران و ایرانیان در جامعه جهانی به آن ردیف و مرتبه ای که شایسته شان و موقعیت شان است دست نیافته اند.

بقیه از صفحه ۱۰

که یک حق بشری می داند، در ایده ی جامعه ی شهروندی و دولت برآمده از قرارداد اجتماعی تحقق یافته می بیند. این نکته ای اساسی در اندیشه ی روسوست. نزد او، اندیشه ی حقوق بشر، تحقق خود را در دولت برآمده از قرارداد اجتماعی می یابد. دولتی که روسو می اندیشد، اساساً نمی تواند جز دولتی که برپایه ی حقوق بشر، آزادی انسان را تضمین می کند به تصور درآید. پیامد چنین اندیشه ای آن است که ادعای رعایت حقوق بشر نسبت به دولت، اعتبار و حتما موضوعیت خود را از دست می دهد. زیرا دولت روسویی خود نماینده ی حقوق بنیادین و آزادی تک تک شهروندان خود است. حقوق بشر در طرح روسو، در دولت ذوب شده است، چرا که هر انسانی با صرف نظر کردن از حقوق و اختیارات ناشی از وضعیت طبیعی، شخص و نیروی خود را تحت هدایت والای «اراده ی عمومی» قرار می دهد و به این ترتیب به عضوی از یک پیکره ی واحد تبدیل می گردد. «اراده ی عمومی»، واحدی زنده از «من» های مشترک و یک کل روحی است. به نظر روسو، «اراده ی عمومی» به کالبد انسانی می ماند که مجروح کردن هر عضوی از آن، جراحی وارد به کل آن است. اندیشه ی روسو در مورد دولت ایده آل، ملهم از آرمان دولت شهر (پولیس) یونانی چونان تنی واحد است. اما در عین حال، روسو با بردگی مخالف است. وی «بردگی» و «حق» را جمع ناپذیر و در تضاد شدید با یکدیگر می داند. به نظر روسو، هیچ امکانی برای مستدل ساختن حقایق و مشروعیت برده داری وجود ندارد.

اگر چه روسو میان «شهروند» یا تبعه ی یک دولت معین و «انسان» تفاوت قائل می شود، اما تأکید می کند که حتما کسانی که تبعه و شهروند دولتی نیستند، به عنوان انسان، در هر شرایطی قابل احترام اند و نمی بایست منزلت آنان را مشروط به کارکرد شهروندی آنان ساخت. روسو کشتن زندانی یا اسیر جنگی را نفی می کند و خاطر نشان می سازد

رضا نصر

حقوق اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی



وقتی در میان ایرانیان از حقوق بشر صحبت می‌شود، معمولاً آنچه خود به خود و ناخودآگاه در اذهان طرفین مورد نظر است (و بعضاً به وضعیت نابسامان آن در کشور اعتراض می‌شود) صرفاً آن دسته حقوقی است که در اصطلاح تکنیکی‌اش به آن حقوق سیاسی-مدنی می‌گویند. یعنی حقوق مربوط به آزادی‌های بیان، اندیشه، حق برخورداری از دادگاه‌های صالح، منع شکنجه و اعدام غیرقانونی و... الخ که عموماً در میثاق‌نامه‌ی الحاقی حقوق سیاسی-مدنی ۱۹۶۶ به تفصیل تعریف شده‌اند. معمولاً توقعات مدافعان ایرانی حقوق بشر، دست کم در بیان، از این فراتر نمی‌رود! کافی است به متون طومارها، بیانیه‌های مشترک و نامه‌های شکایت‌آمیز حامیان ایرانی حقوق بشر به نهادهای بین‌المللی نگاهی بیندازیم تا به میزان توجهی که اختصاصاً و انحصاراً به این دسته حقوق شده پی ببریم. آنچه کمتر در لیست مطالبات فعالان سیاسی و اپوزیسیون قانونی و غیرقانونی ایران مشاهده می‌شود، و در کمتر مواردی به آن حتی اشاره‌ای شده است، حقوق اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی انسان‌هاست که در میثاق‌نامه‌ای به همین نام در متنی مستقل از میثاق حقوق سیاسی-مدنی تعریف شده است. سلسله حقوقی که ایران قریب به ۳۰ سال است در مجامع بین‌المللی متعهد به احقاقش شده است و متأسفانه نخبگان ما نتوانستند طی این سال‌ها آن را به عرصه‌ی عمومی بکشانند. مثال می‌زنم: در چند طومار و بیانیه‌ی مشترک به یاد دارید که معترضین به وضع حقوق بشر در ایران به اینکه شرکت واحد برای قریب به ۴ میلیون شهروند معلول ایرانی هیچ تسهیلاتی قائل نشده تا اتوبوس‌هایش برای این عده نیز به صورت گسترده‌ای قابل استفاده شوند اعتراض کرده باشند؟ مگر حق جابجایی از حقوق اساسی بشر نیست؟ چند در صد از معلولین جسمی در ایران حق جابجایی با وسیله‌ی نقلیه‌ی عمومی را حق خود می‌دانند و چند درصدشان آن را امتیاز تلقی می‌کنند؟ چندتایشان به دادگاه‌های کشور از دولت بابت این کوتاهی شکایت کرده‌اند و جهت جبران خسارت اقدام نموده‌اند؟ آیا اصلاً دادگاه‌های ما قابلیت رسیدگی به چنین دادخواهی‌ها را دارند؟

- چرا تا به حال صدها نامه و مقاله و بیانیه در اعتراض به عملکرد قوه‌ی قضایه در برابر مطبوعات و زندانیان سیاسی نوشته شده اما تا کنون هیچ اقدام ملموسی جهت ایجاد یا اعتراض به نبود نهادی حقوقی با قابلیت جبران خسارات وارده به شهروندانی که به صرف وضعیت نابسامان جسمی یا روانی از جابجایی، تحصیل، مراجعه به کتابخانه‌ها، سینما رفتن،

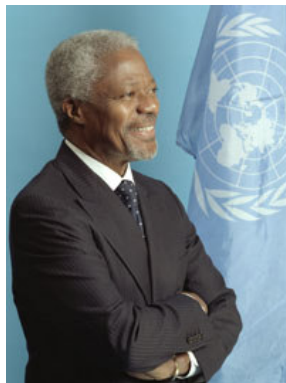
استفاده از تسهیلات عمومی، امرار معاش و غیره بازمانده‌اند صورت نگرفته است؟

-در چند بیانیه‌ی مشترک و نامه به نهادهای مربوطه، فعالان ما به اینکه پیاده‌روهای شهری مثل تهران با ۳۰-۲۰ سانتیمتر ارتفاع به ویلچرها اجازه‌ی عبور و مرور نمی‌دهند اعتراض کرده‌اند؟ مگر آلودگی مرگ‌آور هوای تهران مصداق بارز نقض اصل ۱۲ میثاق‌نامه‌ی حقوق اقتصادی-اجتماعی نیست؟ چرا تا به حال از این زاویه به این قضیه نگاه نشده است؟ آیا دیدبانی وضعیت آلودگی هوای تهران در دستور کار سازمان‌های غیر دولتی مدافع حقوق بشر در ایران قرار دارد؟ این بی‌اعتنایی‌ها از جانب کانون‌های مدافع حقوق بشر باعث شده تا نزد توده‌ی مردم ایران حقوق اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی بیش از آن که حقوقی مشروع و قانونی تلقی شوند امتیاز ویژه به حساب آید و تا چنین باشد تلاش‌مان در راه احقاق عدالت ناقص خواهد ماند.

بقیه اخبار خارجی از صفحه ۶

کوفی عنان: از مردم عراق حمایت نمی‌شود

عنان طی گزارشی به شورای امنیت ضمن ابراز نگرانی از بحران‌های عراق، زندگی امن و به دور از خطرهای تروریستی را حق مسلم مردم این کشور دانست.



به گزارش خبرگزاری عراق، کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد در این گزارش با

اشاره به آمار بالایی کشته شدگان عراقی طی چند ماه گذشته تأکید کرد: این ارقام نشانه‌ی افزایش بحران و کمبود حمایت‌های امنیتی از شهروندان عراقی است.

وی همچنین از پیامد عملیات‌های نظامی نیروهای ائتلاف در مناطق عراق ابراز نگرانی کرد و آن را عامل افزایش بحران و حملات شبه نظامیان دانست.

عنان در این گزارش هم‌چنین از نحوه‌ی بازپرسی نیروهای امنیتی عراق از دستگیر شدگان و برخی زیاده‌روی‌ها و عدم توجه به اصول تحقیقات عادی در روند بازپرسی انتقاد کرد.

وی با اشاره به گزارش‌های رسیده از بغداد، بصره، موصل، کرکوک و مناطق کرد نشین شمال عراق تأکید کرد: گزارش‌های زیادی از آزار و شکنجه‌ی متهمان طی مراحل بازپرسی در مراکز پلیس رسیده است.

دبیر کل سازمان ملل متحد ضمن ابراز نگرانی از افزایش آمار زندانیان و

بقیه در صفحه ۱۷

است که در بسیاری موارد به سادگی فریب قول و قرارهایی را می‌خورند که قاچاقچیان انسان به آنها می‌دهند. به آنها می‌گویند که می‌توانند در مزارع و کارخانجات کار کنند و در ازای آن پول خوبی به دست بیاورند. از این روی مرز میان کار به عنوان برده و کار به عنوان مزدبر روشن نیست. در این باره پرلی سپیریانو فعال حقوق بشر در برزیل می‌گوید:

”ما بسیار به این مسأله توجه می‌کنیم که تفاوت قائل بشویم بین کار به عنوان برده و کار در مناسبات شغلی غیرمجاز. این موضوع که کسی حداقل دستمزد را می‌گیرد، دستمزدی که بسیار پایین است، هنوز به معنای آن نیست که به عنوان برده کار می‌کند. این هم که این فرد سرپناه و خانه درستی ندارد، هنوز به این معنا نیست که برده است. بنابراین ما باید بسیار مواظب باشیم تا بتوانیم به درستی فرق بگذاریم بین برده‌داری و مناسبات شغلی‌ای که پذیرفتنی نیستند.“

به راستی ”بردگان“ - یا مزدبرانی که حداقل دستمزد را می‌گیرند در وضعیتی غیرانسانی به سر می‌برند. به آنها یا مزدی نمی‌دهند یا اگر هم بدهند، بسیار ناچیز است. به جای آن مجبورشان می‌کنند که برای پرداخت ”قروضی“ که به آنها نسبت می‌دهند، کار کنند، قروضی که می‌گویند به خاطر سفرشان به آن منطقه یا اقامتشان در آنجا به بار آورده‌اند. اکثریت مزارع و کارخانجاتی که این بردگان یا مزدبران در آن مشغول‌اند، در مناطق دورافتاده واقع شده‌اند: جمعیت زیادی در این نقاط زندگی نمی‌کنند، خیابان و راه شوسه نیز در این مناطق بسیار کم است. دولت کنترلی بر این نواحی ندارد. در اکثر موارد کیلومترها میان این مزارع و شهری دیگر فاصله است و این باعث می‌شود که کارگران نتوانند دست به فرار بزنند. افزون بر این، اغلب امکان کار و نحوه زندگی دیگری برای این کارگران وجود ندارد. به گفته پرلی سپیریانو مواردی بوده است که ماموران پلیس برزیل یک نفر را برای پنج بار یا حتی بیشتر از دست قاچاقچیان انسان آزاد کرده‌اند، اما ”یکی از کارگران می‌گفت که با وجود همه فشار و ناراحتی‌ها اینجا بسیار بهتر از آنجایی بود که من از آن می‌آیم.“ ماموران پلیس و بازرسان وزارت کار به هنگام کار و تحقیقات خود، به ویژه در منطقه آمازون، به زنان و مردان کارگری برمی‌خورند که همچون برده با آنها رفتار می‌کنند و از کمترین حقوق انسانی محروم‌اند. ماموران پلیس و بازرسان وزارت کار برزیل در سال ۲۰۰۴ میلادی توانستند بیش از ۲۰۰۰ نفر و در سال جاری میلادی ۲۰۰۵ تا کنون ۵۵۰ نفر را از بند سوداگران انسان نجات دهند. وظیفه‌ای که بازرسان بر عهده دارند وظیفه بی‌خطری نیست. برعکس، سال گذشته چند تن از بازرسان را به قتل رساندند. برده‌داران که باندهای خشن جنایتکار و گاه حتی ارتش خصوصی کوچکی را در اختیار دارند، رحم نمی‌شناسند. دولت برزیل که در رأس آن رئیس‌جمهور لولا دا سیلوا قرار گرفته است، می‌خواهد این طرح را متحقق کند که تا پایان سال

برده‌داری و مبارزه با آن در برزیل



روز سه شنبه ۲۳ اوت (اول شهریور ماه) ”روز جهانی به یادآوری برده‌داری و لغو آن“ بود. یکی از هدفهای مهم در این روز آگاه کردن افکار عمومی است از وجود گونه‌های مختلف برده‌داری در جهان امروز. هنوز هم در نقاطی از این کره خاکی در شکل‌های آشکار یا پنهان برده‌داری وجود دارد. هدف برداشتن پرده از انواع برده‌داری است تا بتوان به مقابله با نقض حقوق بشری بردگان پرداخت. نمونه‌ای از برده‌داری مدرن را در کشور برزیل می‌یابیم.

نیمه شب بیست و دوم ماه اوت سال ۱۷۹۱ در سانتو دومینگو، که امروز هایتی و جمهوری دومینیکن نام دارد، شورش به پا شد که نقشی مهم در از میان بردن تجارت برده داشت که سالیان دراز میان قاره‌ها در جریان بود. سازمان یونسکو، نهاد فرهنگی وابسته به سازمان ملل متحد، وزیران فرهنگ همه کشورهای عضو سازمان ملل را فرا خوانده است که هر سال در روز ۲۳ اوت با یاری هنرمندان و روشنفکران کشور خود برنامه‌ها و جلسه‌هایی روشنگرانه برای مردم ترتیب دهند و از کسانی یاد کنند که در طول قرن‌ها قربانی برده‌داری شدند. اما هنوز هم بسیاری از انسانها در سراسر جهان قربانی پدیده زشت و غیرانسانی برده‌داری هستند. از جمله در برزیل. در برزیل کار بردگان را از سال ۱۸۸۸ به طور رسمی ممنوع کرده‌اند. و با وجود این هنوز هم هزاران انسان بی‌پناه هستند که زندگی و نیروی کارشان را در باغها و کشتزارها، در معدنهای ذغال سنگ و کارخانجات نساجی و فولادسازی و در خانه‌هایی که در آن به عنوان خدمتکار مشغول‌اند، بیرحمانه غارت می‌کنند. قربانیان اغلب به دلیل سطح پایین تحصیلات خود، اقامت غیرقانونی در برزیل، رنگ پوست یا سن‌شان امکان یافتن کاری عادی را ندارند. در این باره که چه تعداد انسان در وضعیت بردگی در برزیل به سر می‌برند آمار دقیقی وجود ندارد. برآورد می‌کنند که ۲۵ هزار تا ۲۰۰ هزار برده در این کشور زندگی می‌کنند. اکثریت بردگان در برزیل از ایالت‌های فقیرنشین شمال شرقی این کشور، ماریائو و پیائویی، می‌آیند. اینان کشاورزان تهی دستی هستند که صاحب قطعه زمینی‌اند، اما وسیله کافی در اختیار ندارند تا بتوانند زمین خود را کشت کنند و از محصول آن بهره ببرند. برای همین

از این بحران به بحث و گفتگو بنشینند. اینگونه بنظر میرسد که بازدید دبیر کل سازمان ملل از نیجر تنها با هدف حمایت از مدیریت برنامه کمک رسانی این سازمان به آسیب دیدگان از بلایا و فجایع است که اکنون مورد انتقاد قرار گرفته اند. سازمان امداد رسانی پزشکان بدون مرز با انتقاد از روند کمک رسانی سازمان ملل آن را ناکافی و بدون کارآیی خواند. واقعیت این است، درست زمانی که همه کمک های جهانی برای قربانیان فاجعه تسونامی ارسال میشد، امدادگران در نیجر فریاد کمک خواهی برآوردند، اما در آن زمان گوش شنوایی برای آن وجود نداشت. اما واقعیت دیگر نیز این است که عدم نشان دادن عکس العمل از سوی سازمان ملل، ناشی از رفتار دولت نیجر بود. ممدو تانجا رئیس جمهور نیجر بطور سیستماتیک خطر بروز گرسنگی در کشورش را رد و ادعا داشت که دولت وی از پس موضوع برخواهد آمد. به همین خاطر هم عنان باید وظیفه و تکلیف سیاسی رهبران نیامی در مقابله با این فاجعه انسانی را به آنان گوشزد نماید و دیگر اینکه سواستفاده کارمندان دولت از کمک های جهانی و تقسیم آن بر اساس منافع قبیله ای از سوی جامعه جهانی تحمل نخواهد شد.

اما نیجر مثال بارزی از یک کشور توسعه نیافته است. جمعیت نیجر تنها در دو نسل از ۲ میلیون به ۱۲ میلیون نفر افزایش یافته که رشد جمعیت آن سالانه برابر ۳ درصد است و زنان این کشور بطور میانگین هشت کودک دنیا می آورند. اقتصاد نیجر تماما به کشاورزی و دامپروری وابسته است و جایی در بازارهای جهانی و کسب درآمد ارزی از این راه برای آن وجود ندارد. دلیل آن هم بسیار واضح است، کشاورزان نیجر هنوز از روش و ابزار بسیار قدیمی استفاده میکنند. اغلب کشاورزان هنوز با کج بیل کار میکنند و تراکتور پدیده ناشناخته ای است. «بورما دودو» دبیر کل اتحادیه دامداران در این باره چنین میگوید: «قبل از هر چیز باید بگویم که نیجر سیاست خود را اصلا انطباق نداده است. از زمانی که یادم هست تا به امروز ما با همان تکنیک و همان ابزار کار میکنیم و هیچ پیشرفتی دیده نمیشود».

از سوی دیگر صحرا هرسال بسوی جنوب پیشروی دارد و بخش های وسیعی از مراتع و مزارع این کشور را نابود میسازد که حاصل آن رقابتهای خونین قبائل، کشاورزان و دامداران بر سر زمین است. «بورما دودو» که خود بر اثر خشکسالی همه گاوهایش را از دست داده، در این باره چنین میگوید: «اغلب دامداران در شمال زندگی کنند که هم خشکسالی و هم آفت ملخ، خسارات غیر قابل جبرانی به آنها وارد ساخته است. قبلا دامداران اگر در شمال با مشکل روبرو بودند میتوانند گله های خود را به جنوب ببرند، اما اکنون زمینهای جنوب کشور همه دارای حصار شده و زیر کشت رفته اند و یا در آن باغداری میکنند». اما یکی از مهمترین مشکلات ساختاری در نیجر همانا معضل بی سوادی است که

۲۰۰۶ برده داری را در برزیل از میان ببرند. اما مبارزه ای که دولت لولا دا سیلوا در پی شرکت در آن است، مبارزه راحتی نیست. دستگاه دادگستری برزیل در بسیاری مواقع مجازات سنگینی برای برده داران تعیین نمی کند، اگر چه قوانین برزیل چنین مجازاتهایی را در نظر گرفته اند. نکته دیگر این است که کارمندان بسیاری هستند که با دریافت رشوه چشم بر آنچه میان برده داران و بردگان می گذرد، می بندند. افزون بر این، به اندازه کافی ابزار لازم در اختیار کسانی که در صدد مقابله با برده داری هستند، نمی گذارند.

با این همه به تدریج بر شمار قاضیانی افزوده می شود که از امکان مجازات شدیدتر برده داران استفاده می کنند: برای نمونه زمینداران را محکوم می کنند به اینکه با پرداخت پول جبران خسارتی را بکنند که بر کارگران وارد آورده اند. در برخی موارد هم حکم جلب و دستگیری آنها را صادر می کنند. همچنین موفقیتهایی در رابطه با اقداماتی به دست آمده که انجام داده اند تا حدود ۵۰۰ هزار کودکی را که مشغول انجام کار بدنی سنگین هستند، بتوانند از عرصه کار خارج کنند و به جای آن به آنها امکان تحصیل در مدرسه بدهند. سیپریانو در این باره می گوید: «مشخصه های برده داری و کار کودکان با هم فرق دارند. در بسیاری موارد می بینیم که این خود مادران یا پدران هستند که فرزندان شان را به جای اینکه به مدرسه بفرستند، برای کار کردن در جایی می گذارند. بعضی از این کودکان به کارهای بدنی بسیار سختی مشغول اند. برای نمونه گروهی از آنها در کارخانه تولید ذغال سنگ در ایالت اسپیریئو سانتو کار می کنند. ما عده بسیار زیادی از کودکان را در این کارخانه دیدیم.» هم اکنون دولت برزیل به خانواده هایی که فرزندان شان را به جای کار کردن به مدرسه می فرستند، کمک مالی می کند. احتمالا دولت برزیل با اقداماتی که انجام می دهد قادر خواهد بود که در چند سال آینده تا حد زیادی از شمار بردگان در این کشور بکاهد. اما در این سرزمین وسیع که مساحت آن ۲۴ برابر مساحت کشور آلمان است، تنها حدود ۳۵ میلیون نفر هستند که از سطح رفاهی ای قابل مقایسه با سطح رفاهی مردم اروپای غربی برخوردارند. و کل جمعیت برزیل بالغ است بر ۱۸۵ میلیون نفر.

گرسنگی در نیجر



پس از یک مدت طولانی خشکسالی اکنون تقریباً ۲ و نیم میلیون نفر در کشور آفریقائی نیجر در معرض خطر گرسنگی قرار دارند و وضعیت در کشورهای مالی و بورکینا فاسو نیز بحرانی است.

کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل برای مدت دو روز عازم نیجر شد تا با مقامات این کشور و سازمانهای امداد رسانی در مورد راههای برون رفت

اجازه ملاقات نیز ندارد. قوه قضائیه ایران ادعا میکند که سلطانی به دلیل "انتقال اطلاعات سری در مورد جاسوسان هسته ای در داخل و خارج از ایران" دستگیر شده است.

- وکیل دیگر ناصر زرافشان است که در رابطه با پرونده موسوم به "قتل های زنجیره ای" سیاستمداران و نویسندگان که در سال ۱۹۹۸ بقتل رسیدند، دستگیر شده است. او تلاش در پیدا نمودن آمرین و عاملین این قتل ها داشت و وکالت خانواده مقتولین را به عهده گرفته بود. او با بیان حقایق در مورد آمرین این قتل ها دستگیر و در یک دادگاه نظامی غیر علنی به ۵ سال زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم شد. از ماه اوت ۲۰۰۲ در زندان مخوف اوین در بند است. در ژوئن امسال وارد یک اعتصاب غذای نامحدود برای آزادی فوری و معالجه بیماری خود در خارج از زندان شد. پس از ۱۵ اعتصاب غذا بیهوش و برای عمل جراحی به بیمارستان منتقل و تحت عمل قرار گرفت و پس از عمل نیز فوراً به بیمارستان منتقل شد. جامعه بین المللی حقوق بشر خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط دو وکیل نامبرده می باشد زیرا آنان به وظیفه شغلی خود عمل کرده و از حق بیان خود استفاده نموده اند.

• اعدام نوجوانان، زنان و همجنسگرایان:

در ۲۰ جولای امسال در شهر مشهد دو نوجوان ۱۶ و ۱۸ ساله به نام های محمود اصغری و ایاز مرهونی به جرم همجنسگرایی پس از تحمل ۲۲۸ ضربه شلاق در ملا عام حلق آویز شدند. این اقدام وحشیانه بار دیگر نشان داد که رژیم ایران برخلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان بین المللی حقوق کودکان و بر خلاف قول و قرارهایی که با اتحادیه اروپا داشته، اعدام کودکان زیر ۱۸ سال را همچنان در دستور کار خویش دارد. یک روز پس از اعدام این دو نوجوان، چنین نماینده مجلس اسلامی ایران خشم خود را نسبت به نه این قتل دولتی بلکه نسبت به انتشار خبر در رسانه های خارجی اعلام داشتند.

دو همجنسگرای دیگر نیز به نام های فرید مستعار و احمد چوکا در شهر اراک محکوم به مرگ شدند. حکم اعدام آنان تأیید شده است. به دلیل مالی امکان دفاع حقوقی از خود را نداشتند. حکم اعدام آنان قرار است در ۲۷ اوت در شهر اراک اجرا شود.

- زنی به نام فاطمه (حکم او تنها با نام کوچکش اعلام شد) در یک دادگاه در تهران به سنگسار محکوم شد (روزنامه "ایران" در ۱۶ ماه مه این خبر را منتشر کرد). جامعه بین المللی حقوق بشر خواهان لغو فوری احکام صادره اعدام و سنگسار، مجازات های وحشیانه و شکنجه، و آزادی زندانیان سیاسی، مجازات قانونی کلیه مسئولین نقض حقوق بشر در ایران می باشد.

حتی آمار بی سوادان در میان زنان رقم غیر قابل باور ۹۳ درصد میباشد. اما مهتر اینکه کودکان نیجر بجای رفتن به مدارس، اکنون سالهاست به مدارس قرآن میروند که از سوی برخی از کشورهای عربی و دیگر همسایه نیجر، یعنی نیجریه احداث شده و تأمین مالی میشوند. در مناطق جنوبی نیجر، بخصوص منطقه مرادی، اسلام افراطی جای پای خود را باز کرده و به همین خاطر هم از سوی پنتاگون و مقامات نظامی آمریکایی بعنوان منطقه ای که تروریسم اسلامی در آن وجود دارد ارزیابی میشود. بنا بر این یکی از کلیدهای اصلی توسعه اقتصادی، همانا آموزش و پرورش است. تا زمانی که بی سواد حاکم است، نه امکان استفاده از روش های نوین کشاورزی وجود دارد و نه امکان استفاده بهینه از منابع آب و نه امکان کنترل موالید.

امداد رسانی، وظیفه ای است انسانی، اما مهم این است که یک سیاست با ثبات و درازمدت برای توسعه اقتصادی منطقه ساحل که تنها به نیجر محدود نمیشود اعمال شود و گرنه نسل آینده آفریقا نیز محکوم به تکرار گذشته آن خواهد شد.

بقیه از صفحه ۱۱

ما خواهان روشن شدن همه قتل ها و مجازات قاتلین توسط هیئت های مستقل غیر دولتی و آزادی فوری دکتر رویا طلوعی و آزاد شدن نشریات توقیف شده و پایان سرکوب و تحقیر مردم کردستان هستیم.

• سرکوب روزنامه نگاران:

- حال جسمی اکبر گنجی، روزنامه نگار معروف و منتقد رژیم حدود مساعد نیست. او به مدت تقریباً ۶۰ روز برای آزادی خویش در اعتصاب غذا بود. خانواده او و وکلایش اجازه ملاقات نداشتند. طبق خبر بی.بی.سی او به اعتصاب غذایی پایان داده است. حتی اگر حال جسمانی اش نیز بهبود یابد، همچنان تحت فشار رهبر و مقامات قوه قضائیه خواهد بود. ما خواهان آزادی اکبر گنجی هستیم زیرا او تنها از حق آزادی بیان خود استفاده کرده است.

• وضعیت وکلا:

- عبدالفتاح سلطانی، موسس کانون مدافعان حقوق بشر (خانم شیرین عبادی، برنده جایزه نوبل نیز عضو آن است) در ۳۰ جولای بدستور دادستان کل تهران، سعید مرتضوی دستگیر شد. قاضی مرتضوی متهم به قتل زهرا کاظمی، روزنامه نگار ایرانی-کانادایی است که در ژوئن ۲۰۰۳ هنگام عکسبرداری از اعتراضات خانواده دانشجویان دستگیر شده در مقابل زندان اوین دستگیر و در زندان به قتل رسید. عبدالفتاح سلطانی جزو وکلای است که برای روشن شدن این قتل تلاش میکند. دستگیری او که چندین روز پس از اعلام بسته شدن این پرونده اتفاق افتاده، نمایانگر تلاش رژیم برای ساکت نمودن همه وکلای است که برای روشن شدن این پرونده تلاش میکنند. او به یک مکان نامعوم منتقل و زندانی شده و

همسایگی مان در عراق با پیدا کردن گورهای جمعی یکنوع آثار جنایت را دارند به دنیا نشان می دهند. ما تجربه های بسیار زیادی را در گذشته داشته ایم از جمله در فردای پیروزی ملل متحد در جامعه فاشیستی آلمان که امروزه همین آثار جرم را دارند در موزه ها بنمایش می گذارند. ما، و من، شاهد جان بدر برده ی تابستان ۶۷، در اینجا به شما می گویم هم نسلهای ما از سرنوشت هزاران چشم بند، دمپایی لاستیکی، عینکهای بی صاحب تلنبار شده در کریدورهای زندان گوهردشت بی اطلاع اند. ما نمی دانیم با آنها چه کرده اند. آیا اساسا اینها را جایی پنهان کرده یا از بین برده اند این آثار جنایت را. بنظر می رسد کاربدستان پای ورن نظام خداسالار بعد از اینکه موفق به پاکسازی تاریخ نشده اند، کمر به قتل جغرافیای جنایت زده اند.

م.ص: آقای اصلانی، خانواده ها اعتراضی کرده اند به این طرح؟

اصلانی: خانواده ها، بخصوص جنبش مادران که همواره در این عرصه فعال بوده اند آنها از چند سال قبل که نامه ی خیلی معروفی را نوشتند به رییس جمهور وقت آقای خاتمی، در آنجا یک خواست صریح و روشن داشتند و آن خواست این بود که نشانی گور بچه های ما را بدهید. در آن نامه حتا نگفته بودند که آقا جانی را معرفی کنید یا عوامل جنایت را. خیلی ساده خواسته بودند که نشانی گور این بچه ها را بدهید. ما می خواهیم سر قبر بچه هایمان گریه کنیم براحتی. اما مشخص بود که اینها گورها را نمی دهند. چون دادن هر گور یعنی که یک انسان غایب است، یعنی جنایتی آنجا اتفاق افتاده است. خصوصا می دانیم که زیر خاک خاوران، یعنی اگر زمانی خاوران حفاری بشود، آثار جنایت، استخوانهایی جانهای جوان و بیشمار که در خاک پشته ها شیار شده است نشان از آن جنایت فجیع می دهد و خانواده ها هم اکنون نیز، با اعتراض به این مسئله اولین چیزی را که خواسته اند، اینست که آقا ابتدانا گور این دوستان، این عزیزان را بدهند. مشخص بشود که چه تعدادی آنجا دفن شده اند. بعد، اگر ماجرای ساماندهی باشد خود خانواده ها با کمال میل حاضرند نعلش عزیزانشان را که آنجا بصورت جمعی مدفون هستند، خودشان این ساماندهی را انجام بدهند.

ولی ابتدانا خواست صریحی که آنها داشته اند اینست که چه تعداد در گورستان خاوران پنهان شده اند، مشخص بشود این گورها و همانطور که ما می دانیم در طول این سالها همواره خانواده های این عزیزان بر سر گورهای فرضی گریسته اند و یادشان را گرامی داشته اند. چون هیچ اطلاعی ندارند که چه کسی در کدام نقطه دفن شده است. گرچه چندان هم اهمیت ندارد، اما بهرحال آنها خواهان این هستند که بدانند اولاً چه تعداد آنجا دفن شده اند، دوماً گورها را بدهند. بعد ماجرای ساماندهی می تواند مسئله ی بعدی باشد.

مصاحبه گر: محمود صالحی

گور فرزندانمان را نشان بدهید!



شهرداری تهران اخیرا تصمیم به اجرای طرح ساماندهی گورستان خاوران نموده است. گورستانی که در جریان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ هزاران نفر را در گورهای دسته جمعی در آن دفن کردند. در رابطه با این موضوع گفتگویی با مهدی اصلانی از زندانیان سیاسی سابق، فعال حقوق بشر و مولف و گرد آورنده وصیت نامه های اعدام شدگان بشرح زیر انجام گرفته است:

م.ص: آقای اصلانی، شما می توانید تاریخچه ای از گورستان خاوران را برای ما بیان کنید؟

اصلانی: همانطور که مطلع هستید بعد از عملیات کشتار تابستان ۶۷ این عملیات ضربتی و ضرب العجلی که در ارتباط با انتقال جنازه هایی که اینها در دو زندان اوین و گوهر دشت به دار کشیدند، خبر داریم که اینها را با کامیونهای یخچال دار حمل گوشت به مکانی در جنوب شرقی تهران که امروزه «گلستان خاوران» نامیده می شود و قبلا بعنوان گورستانی متروکه استفاده می شد بردند و جنازه ها را در آنجا در آن عملیات ضربتی و گورهای جمعی پنهان کردند.

م.ص: آقای اصلانی، الان طرح شهرداری برای گورستان خاوران چیه؟

اصلانی: ظاهرا اینها پروژه ی ساماندهی این گورستان را دارند و می خواهند آنجا را به یک گورستان عادی تبدیل کنند با گل و گیاه و غیره. در حقیقت پروژه، پروژه ی ساماندهی ست، اما گزندگی و تلخی طنز آن شاید این باشد که دولت جدید به اصطلاح «آبادگر» ساماندهی جامعه ی متلاشی شده ی ایران را از گورستانها دارد به اجرا درمی آورد. در واقع آنچه چیزی که مسئله ی اصلی ست اینجا، به اعتقاد من، اینست که آنها درصدد از بین بردن آثار جنایت هستند. چون پنهان کردن جنازه هایی که ۱۷ سال قبل در آن عملیات ضربتی در گورهای جمعی صورت گرفته شده، اگر اعتراف بکنند به اینکه اینجا در حقیقت یک گورستان غیرعادی ست. چون ما می دانیم که آنجا یک گورستان عادی نیست که تعدادی آدم عادی در آنجا آرامیده باشند. اینجا ذبح گاه نزدیک به ۵۰۰۰ انسان است که در یکماهه ی مرداد تا شهریور ۶۷ سلاخی شدند و در حقیقت یکی از آثار جرم و جنایتی ست که می تواند در فردای دادگاههای بین المللی مطرح بشود و همین الان در کنار گوشمان، در

میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

سازمان ملل متحد مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶

قسمت پایانی

بخش چهارم

ماده شانزدهم



۱- بنا بر مقررات این قسمت از میثاق، دولت‌های عضو متعهد میگردند، اقداماتی را که جهت پیشرفت‌ها و دستاورد هائی که در مورد حقوق شناخته شده در این میثاق بعمل آورده اند، گزارش کنند.

۲- (الف) تمام گزارشها می باید به دبیر کل سازمان ملل متحد، ارایه گردد. (او) طبق مقررات این میثاق رونوشت گزارشها را جهت بررسی به شورای اقتصادی و اجتماعی ارسال می دارد.

(ب) همچنین دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت گزارشها و یا گزارش هر قسمت مربوطه و دریافتی از دولت‌های عضو میثاق که (خود نیز) تا زمان ارائه آن گزارشها عضو نهادهای تخصصی بودند و یا قسمتهایی از گزارشهایی را که در ارتباط با موضوعاتی که بنا بر اساسنامه در (حوزه) مسئولیت موسسات مزبور، واقع شده است را به نهادهای تخصصی ارسال می دارد.

ماده هفدهم

۱- دولت‌های عضو این میثاق، گزارشهای خود را مرحله به مرحله طبق برنامه ای که بوسیله شورای اقتصادی، اجتماعی تنظیم شده است و بعد از مشاوره با دولت‌ها و موسسات تخصصی مربوطه، در ظرف یکسال از تاریخ به قدرت اجرایی درآمدن این میثاق تقدیم خواهد کرد.

۲- گزارشها باید عوامل و مشکلاتی که روی میزان اجرایی تعهدات مقرر شده در این میثاق، اثر گذاشته است را نشان دهد.

۳- در جاییکه اطلاعات مربوطه قبلاً بوسیله دولت عضو این میثاق به سازمان ملل و یا هر موسسه تخصصی فرستاده شده است، تهیه دوباره اطلاعات مزبور، ضرورتی نخواهد داشت اما اشاره دقیق به اطلاعات تهیه شده کافی خواهد بود.

ماده هیجدهم

شورای اقتصادی، اجتماعی بموجب مسئولیتهایی که بنا بر منشور سازمان ملل در زمینه حقوق بشر و آزادیهای اساسی، دارد، می تواند با موسسات تخصصی و در ارتباط با گزارش آنها مبنی بر پیشرفت‌هایی که در حوزه فعالیت‌هایشان جهت دستیابی به قوانین این میثاق انجام داده اند، تماس حاصل نماید. این گزارشها ممکن است شامل تصمیمات و توصیه های ویژه ای در خصوص عملیاتی باشد که توسط سازمانهای صلاحیت دار به تصویب رسیده است.

ماده نوزدهم

شورای اقتصادی، اجتماعی می تواند گزارشهای مربوط به حقوق بشر پذیرفته شده بوسیله دولت‌ها، طبق مواد ۱۶ و ۱۷ و موسسات تخصصی، طبق ماده ۱۸ را جهت (بررسی) و مطالعه و توصیه کلی یا در صورت مقتضی برای اطلاع به کمیسیون حقوق بشر ارسال دارد.

ماده بیستم

دولتهای عضو این میثاق و موسسات تخصصی مربوطه می توانند نظرات (خود را) در مورد هر توصیه کلی بنا بر ماده ۱۹ یا هر گزارش کمیسیون حقوق بشر و یا هر سندی که در این زمینه به آن ارجاع شده است را به شورای اقتصادی، اجتماعی ارایه دهند.

ماده بیست و یکم

شورای اقتصادی و اجتماعی، هرازگاهی می تواند گزارشهایی همراه با توصیه های کلی و یا خلاصه اطلاعات رسیده از دولت‌های عضو این میثاق و یا موسسات تخصصی که اقداماتی در جهت رعایت و دستیابی و پیشرفت به حقوق شناخته شده در این میثاق انجام داده اند، به مجمع عمومی ارایه می دارد.

ماده بیست و دوم

شورای اقتصادی و اجتماعی میتواند توجه سایر ارکان سازمان ملل متحد را و یا ارکان فرعی و موسسات تخصصی مربوطه را که دارای (مسئولیت‌های) کمک رسانی فنی هستند، به موضوعاتی که مربوط به این بخش از میثاق میباشد و در گزارشها به آنها اشاره شده است، جلب نماید. این ارکان ممکن است هر کدام در زمینه صلاحیت خود و در جهت کمک کردن به پیشرفت و اجرای موثر این میثاق و لزوم اقدامات بین المللی در این باره اظهار نظر نمایند.

ماده بیست و سوم

دولتهای عضو این میثاق می پذیرند که اقدامات بین المللی را جهت دستیابی به حقوق شناخته شده در این میثاق که شامل روشهایی (در مورد) انعقاد میثاق ها، تصویب توصیه نامه ها، ارایه کمکهای فنی و (تشکیل) نشستهای منطقه ای و نشستهای فنی بمنظور مشاوره و مطالعه سازمان یافته با دولت‌های مربوطه است، بعمل آورند.

ماده بیست و چهارم

هیچیک از مقررات این میثاق نباید به گونه ای تفسیر گردد که به مقررات منشور ملل متحد و اساسنامه های موسسات تخصصی که تعیین کننده مسئولیتهای گوناگون ویژه سازمان ملل هستند و (نیز) موسسات تخصصی مربوط به موضوعهای این میثاق، آسیبی وارد آورد.

ماده بیست و پنجم

هیچیک از مقررات این میثاق نباید به گونه ای تفسیر گردد که به حق ذاتی تمام مردم جهت برخورداری و استفاده کامل و آزادانه از منابع و ثروتهای طبیعی خودشان، آسیبی وارد آورد.

بخش پنجم

ماده بیست و ششم

۱- این میثاق برای امضای هر دولت عضو سازمان ملل و یا عضو هر یک از موسسات تخصصی آن و یا هر دولت عضو (متعهد به) اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری و هر دولتی که (از طرف) مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت شود تا عضو این میثاق گردد، آماده میباید.

۲- این میثاق تابع به تصویب (قانون اساسی هر دولت) است. اسناد تصویب نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

۳- این میثاق بنا بر بند اول این ماده برای پیوستن (وارد شدن) هر دولتی، آماده میباید.

۴- پیوستن بوسیله سپردن سند الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد انجام خواهد گرفت.

۵- دبیر کل سازمان ملل متحد تمام دولتهایی که این میثاق را امضاء کرده اند و یا به آن پیوسته اند را از سپرده شدن هر سند تصویبی یا الحاقی آگاه خواهد کرد.

ماده بیست و هفتم

۱- این میثاق سه ماه پس از تاریخ سپردن سی و پنجمین سند تصویبی یا الحاقی نزد دبیر کل سازمان ملل متحد قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد.

۲- برای هر دولتی که این میثاق را پس از سپردن سی و پنجمین سند تصویبی یا الحاقی، تصویب کند یا به آن بپیوندد، این میثاق ۳ ماه بعد از تاریخ سپردن سند تصویبی یا الحاقی برای آن دولت لازم الاجرا خواهد شد.

ماده بیست و هشتم

مقررات این میثاق بدون محدودیت و استثنایی، شامل تمام واحدهای دولتهای فدرال (دولتهای هم پیمان) میباید.

ماده بیست و نهم

۱- هر دولت عضو این میثاق میتواند اصلاحیه ای پیشنهاد کند و متن آنرا نزد دبیر کل سازمان ملل متحد بسپارد. دبیر کل سازمان ملل متحد هر طرح اصلاحی پیشنهاد شده ای را به دولتهای عضو ارسال میدارد و از آنها درخواست میکند که به او اعلام دارند، مایلند کنفرانسی از دولتهای عضو بمنظور بررسی و تصمیم گیری (اخذ رای) در باره طرحهای پیشنهادی، تشکیل گردد. در صورتیکه حداقل یک سوم دولتهای عضو موافق تشکیل چنین کنفرانسی باشند، دبیر کل، کنفرانسی را زیر نظر سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحی که مورد پذیرش اکثریت دولتهای حاضر و رای دهنده در کنفرانس قرار گیرد، برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم خواهد شد.

۲- اصلاحات زمانی قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برسد و اکثریت دوسوم دولتهای عضو، آنرا بنا بر روند قانونگذاری خود پذیرفته باشند.

۳- وقتیکه اصلاحات، قدرت اجرایی پیدا میکنند، برای آن دسته از دولتهایی که آنرا پذیرفته اند (اجرای) آن الزامی خواهد شد و سایر دولتهای عضو بنا بر مقررات این میثاق به هر گونه اصلاحیه ای که قبلا آنرا پذیرفته اند، موظف می باشند.

ماده سی ام

صرف نظر از اطلاعیه های صادر شده در بند ۵ ماده ۲۶، دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب ویژه زیر را به تمام دولتهای مذکور در بند ۱ همان ماده، اطلاع خواهد داد:

الف) امضاء ها، مصوبه ها و پیوستها بنا بر ماده ۲۶

ب) تاریخ قدرت اجرایی این میثاق بنا بر ماده ۲۷ و تاریخ قدرت اجرایی اصلاحات بنا بر ماده ۲۹

ماده سی یکم

۱- متن های چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی این میثاق از اعتباری برابر برخوردار است و آنها در باطنی سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

۲- دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت تایید شده این میثاق را برای کلیه دولتهای مذکور در ماده ۲۶ ارسال خواهد کرد.

x دولت ایران در آذر ماه ۱۳۵۱ این میثاق را ابتدا در مجلس شورای ملی تصویب رساند و سپس آنرا در اردیبهشت ۱۳۵۴ بدون هیچ حق شرط و تحفظی از تصویب مجلس سنا گذراند. (رجوع شود به مجموعه قوانین سال ۱۳۵۴ چاپ روزنامه رسمی، ص ۷۵، ۴۴۵)

بقیه از صفحه ۲۹

جهت انتشار آماده نمود. در این رابطه کمک هائی در مورد انتشار این گزارش توسط آندرا هالی مدیر قسمت خارجی انتشار و فیتزوری هپکینز، مدیر ارسال و رونیکاماتوشاج سردبیر عکس و جدیش پارکیش هماهنگ کننده ارتباطات آنلاین، انجام گرفته است. ناظران حقوق بشر از افرادی که در خارج از کشور اطلاعات ارزشمندی را جهت تهیه این گزارش در اختیار آنها گذاشتند بویژه افرادی که بوسیله حکومت ایران بازداشت و شکنجه شده اند و نیز کسانی که سرگذشت خود را با آنها در میان گذاشتند، صمیمانه تشکر می نماید. متأسفانه بدلیل شرایطی که در ایران حاکم است ناظران حقوق بشر قادر نیستند که با نام از این افراد سپاسگزاری نمایند. تهیه این گزارش بدون همکاری های عبدالکریم لاهیجی و رضا معینی غیر ممکن بود. ناظران حقوق بشر ضمن تشکر از آنها از Newman's Own Foundation جهت حمایت ناظران حقوق بشر عمیقاً تشکر می نماید.

درخواست انجمن دفاع از حقوق زندانیان

برای تغییر وضعیت ۳۴ زندانی



انجمن دفاع از حقوق زندانیان پس از چند ماه گفتگو با مقامات مختلف قضایی به منظور تغییر وضعیت و یا آزادی برخی زندانیان و با توجه به تمایل برخی از مقامات قضایی به حل مسئله این افراد که حتی بعضاً سخن از عفو عمومی می‌راندند سرانجام در ۱۳ شهریور ماه ۱۳۸۴ نامه مشروحي خطاب به آیت الله شاهرودی ریاست محترم قوه قضاییه نوشت. با توجه به اینکه ایشان دستور بررسی کارشناسی توسط مسئولان ذی‌ربط به منظور رسیدگی و اقدام صادر کرده‌اند انجمن دفاع از حقوق زندانیان ضمن قدر دانی از این اقدام متن کامل نامه را جهت آگاهی افکار عمومی انتشار می‌دهد.

بسمه تعالی

حضرت آیت الله شاهرودی، ریاست محترم قوه قضاییه

با سلام و دعای خیر

انجمن دفاع از حقوق زندانیان، نهادی مدنی است که موضوع فعالیت آن عام (شامل زندانیان عادی و سیاسی) بوده و بیشتر مراجعان آن را زندانیان عادی و غیر سیاسی تشکیل می‌دهند که تاکنون در حد بضاعت خویش اقدامات و پیگیری‌های لازم را درباره آنها انجام داده‌است. اما نامه‌ای که پیش رو دارید به گروه خاصی از زندانیان اختصاص دارد. این انجمن ماهیتاً و اصالتاً نهادی حقوق بشری است و فارغ از سیاست و عوامل سیاسی دیده‌بانی و رفتار می‌کند، اما اعضای این انجمن به صفت فردی خویش همچون شما و همه جریان‌ات موافق و مخالف در موضوع منافع ملی و مصالح عمومی وحدت نظر دارند و مایلند کانون‌های تنش و بدنامی و بد فرجامی زدوده شوند و سیمایی از رأفت و عدالت و حقوق بشر در جامعه ما به نمایش درآید که مایه مباهات همه ایرانیان باشد. برای بسترسازی جامعه‌ای عاری از خشونت و سرشار از رحمت و نشاط و مدارا و همدلی بایسته است حق آزادی بیان را برای یکدیگر به رسمیت بشناسیم و هیات منصفه واقعی که نماینده وجدان عمومی باشد را در تشخیص مجرمانه بودن افعال سیاسی، اجتماعی و مطبوعاتی دخالت دهیم تا کسی را مستقل از تشخیص آنان به خاطر گفتن و نوشتن و یا اعتراض و شرکت در تجمع یا تظاهرات مستوجب مکافات و حبس و زجر ندانیم و حتی اگر رفتارشان مستوجب ملامت باشد بکوشیم با دیده اغماض به آن نگریسته شود. ما مایلیم همدلانه و مسئولانه در راه تحقق آنچه گفته شد و

نیز در راه حل آن دسته از مسائلی که به قلمرو کار این انجمن مربوط و منجر به بهبود وضعیت زندانیان می‌گردد از هر اقدامی فروگذار ننماییم. ما نیز این سخنان شما را که کراراً بر زبان رانده‌اید که زندان راه حل مناسبی برای بسیاری از بزهکاری‌ها نیست باور داریم، لذا معتقدیم مجازات زندان در مورد فعالان سیاسی، اجتماعی و مطبوعاتی نیز نه تنها مشکلی از مشکلات کشور حل نمی‌کند بلکه هزینه‌های فراوانی را بر نظام ج.ا.ا. تحمیل می‌نماید. در این درخواست بدون ورود به ماهیت و صرفنظر از درستی یا نادرستی احکام صادره و یا عقاید و مواضع زندانیان و صرفاً با اهداف انسان دوستانه و به منظور فضا سازی مناسب برای جامعه و دولت سخن می‌گوییم. از این رو پیرو گفتگوهای عیدیه چند ماه گذشته در خصوص زندانیان مختلف، بدین وسیله مستدعی است اقدامات لازم نسبت به تغییر وضعیت زندانیان نامبرده در زیر (طبق حروف الفبا یا پرونده مشترک) را مبذول دارید.

۱- آقای عباس امیر انتظام که تاکنون ۲۶ سال از محکومیت وی می‌گذرد و حدود دو سال است به عنوان مرخصی درمانی برای معالجه بیماری‌هایی که عمدتاً از عوارض دوره طولانی زندان آزاد است. چرا نباید این آزادی به صورت قطعی درآید؟

۲- آقای مسعود باستانی که در تاریخ ۳ مرداد ۸۴ در بیمارستان میلاد مشغول تهیه گزارش بود بازداشت و دو هفته بعد (۱۵ مرداد) آزاد شد. پس از آن به دلیل محکومیت شش ماهه و ۵ سال محرومیت از فعالیت مطبوعاتی در دادگستری اراک خود را به آنجا معرفی کرد و با وجود اخذ رضایت شکات (شهرداری، نیروی انتظامی و آقای رضوانی یکی از قضات دادگستری) از تاریخ ۵/۱۷/۸۴ اکنون در زندان اراک به سر می‌برد، به این دلیل که دادستان اراک می‌گوید وی بر خلاف ۵ سال محرومیت از فعالیت مطبوعاتی، در یک خبرگزاری در تهران مشغول بکار شده است. حبس یک روزنامه‌نگار به دلایل پیش گفته زبنده دستگاه قضایی نیست و مقتضی است دستور آزادی نامبرده صادر گردد.

۳- آقای احمد باطبی حدود ۷ سال از محکومیتش می‌گذرد و اکنون حدود شش ماه است در مرخصی بسر می‌برد. مرخصی طولانی وی بهترین گواه بر عدم ضرورت ادامه حبس وی می‌باشد و انتظار می‌رود آزادی کامل وی تامین گردد.

۴- آقای حجت بختیاری در دی‌ماه ۱۳۸۱ بازداشت و محکوم به چهار سال حبس شد. وی کارگر و متعلق به خانواده‌ای محروم در یکی از روستاهای مشکین‌شهر است. ولی او تاکنون ۳ سال از محکومیت خویش را سپری کرده است. در این مدت پدرش جان به جان آفرین تسلیم کرد و نتوانست در مجلس ترحیم پدر نیز حضور یابد. با وجود صدور قرار وثیقه ۳۰ میلیونی از دو سال پیش تاکنون قادر به تامین آن نبوده است. اخیراً قرار وثیقه به کفالت تبدیل شده و از تاریخ ۲ شهریور ۸۴ به

مرخصی بسر می برند. انتظار می‌رود با روشن ساختن وضعیت آنان و ختم پرونده و آزادی کامل از زندان، حقوق آنان را استیفاء نمایید.

۱۳- آقای امیر حشمت ساران در تاریخ ۸۳/۱۲/۵ برای چهارمین بار بازداشت و محکوم به ۸ سال حبس شده و رای صادره در دادگاه تجدید نظر تایید گردیده است. از آنجا که حدود ۷ ماه است محکومیت خویش را سپری می‌کند و تاکنون به مرخصی نیامده، مستدعی است ضمن موافقت با مرخصی وی، دستور اعاده دادرسی صادر گردد.

۱۴- آقای عبدالفتاح سلطانی و کیل دادگستری و عضو هیات مدیره کانون وکلا است که خدمات حقوقی بسیاری از پرونده‌ها را به صورت رایگان انجام می‌داد. وی در تاریخ ۸۴/۵/۸ بازداشت شد و پیش از محاکمه، اتهام جاسوسی به وی به عنوان جرم اعلام گردید و بر خلاف قوانین اجازه ملاقات با وکیل به او داده نشده است که شرح آن را در نامه مورخ ۲۷ مرداد ۸۴ به آن جناب منعکس کرده‌ایم. با توجه به لزوم رعایت حقوق شهروندی آقای سلطانی و شرایط داخلی و بین‌المللی موجود تبدیل قرار بازداشت به وثیقه یا کفالت و آزادی ایشان تا زمان رسیدگی به اتهامات در دادگاه صالح مقتضی است.

۱۵- آقای مجتبی سمیع‌نژاد جوان ۲۱ ساله‌ای است که پدر وی بازنشسته و عهده‌دار سرپرستی دو برادر بیمار مجتبی است. وی در جریان بازداشت و بلاگ‌نویسان در تاریخ ۸۳/۱۱/۲۴ بازداشت شده و پس از آزادی سایر متهمان این پرونده هنوز در زندان است. در حال حاضر حکم دادگاه بدوی مبنی بر ۲ سال محکومیت زندان وی صادر گردیده و قرار وثیقه ۱۳۰ میلیون تومانی برای آزادی وی تا صدور رأی تجدید نظر صادر شده است و در پرونده دیگری مجدداً به ده ماه حبس در دادگاه بدوی محکوم گردیده است. به دلیل عجز خانواده از تودیع وثیقه ملکی یا ریالی، تبدیل قرار بازداشت به کفالت تا زمان صدور رأی تجدیدنظر به امید تیره‌تره وی کمترین کاری است که می‌توان برای تغییر وضعیت وی انجام داد.

۱۶- آقای حشمت‌الله طبرزدی پس از بازداشت‌ها و توقیف‌های مکرر، در حالی که از آخرین بازداشت وی تاکنون بیش از دو سال و نیم می‌گذرد، برای نخستین بار در تاریخ ۲ شهریور ۸۴ به وی مرخصی داده شد و هم‌اینک نیز در مرخصی بسر می‌برد. آقای طبرزدی محکوم به ۱۴ سال حبس بوده و انتظار داریم مرخصی نامبرده تمدید گردد تا پرونده وی در دیوان عالی کشور مورد رسیدگی مجدد قرار گرفته و احقاق حقوق وی مدنظر قرار گیرد.

۱۷- آقای امیر عباس فخر آور محکوم به ۸ سال زندان شده که نیمی از آنرا سپری کرده است. مرخصی‌های متعدد یکسال اخیر او نشان می‌دهد دلیلی برای نگرانی از آزادی وی وجود ندارد. او از ۲۰ خردادماه سال جاری تاکنون در مرخصی بسر می‌برد و مقتضی است مرخصی وی تداوم یافته و با توجه به درگذشت پدر نامبرده در سانحه رانندگی و اینکه وی

مرخصی دو هفته‌ای آمده است. مستدعی است با حذف بازمانده حبس او دستور آزادی‌اش صادر شود.

۵- آقایان مصطفی پیران(پدر) و پیمان پیران(پسر) بیش از یکسال است در زندان بسر می‌برند و همسر و دو دختر مصطفی پیران بدون حمایت و تامین معاش هستند. پیمان پیران محکوم به ده سال حبس و مصطفی پیران محکوم به یک سال و نیم زندان شده‌اند. انتظار می‌رود مصطفی پیران با گذراندن بیش از نیمی از محکومیت خود اکنون آزاد شود و در مورد پیمان پیران ضمن درخواست رسیدگی مجدد به پرونده وی در شعب دیوان عالی کشور، خواستار آزادی فوری او تا اعلام نتیجه این رسیدگی هستیم.

۶- آقای سیامک پورزند ۷۴ ساله که محکوم به یازده سال حبس شده و دوره حبس وی از... تاکنون بوده ۲ سال اخیر را در مرخصی بوده است. در حالی که وی جزو آمار زندانیان به شمار می‌رود. واقعاً چه لزومی دارد آزادی قطعی وی فراهم نشود.

۷- آقای بهروز جاوید تهرانی در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ بازداشت و پس از ۴ سال آزاد شد. وی مجدداً در تیر ماه ۱۳۸۳ بازداشت و به ۷ سال زندان و ۵۴ ضربه شلاق محکوم شده است. رسیدگی مجدد و عادلانه به پرونده وی با در نظر گرفتن ملاحظت و تسامح و آزادی تا تعیین تکلیف پرونده در شعب دیوان عالی کشور را تقاضا داریم.

۸- آقای بینا داراب زند بیش از یکسال از محکومیت سه ساله و نیمه خویش را سپری کرده و دارای بیماری کلیه و دندان و چشم و نیازمند مرخصی فوری است. همچنین برابر قانون آزادی مشروط می‌توان آزادی ایشان را تامین کرد.

۹- آقای ارژنگ داوودی محکوم به ۱۴ سال زندان است که در دو سال اخیر از مرخصی محروم بوده است. ضمن تقاضای اعطای مرخصی به نامبرده خواستار رسیدگی مجدد به پرونده ایشان در شعب تشخیص دیوان عالی کشور هستیم.

۱۰- آقای عباس دلدار هفتمین سال حبس خویش را می‌گذراند و مقامات زندان از رفتار با وقار وی ابراز رضایت دارند و مرخصی‌های اخیر وی نیز تایید دیگری بر آن است. امید است با توجه به شرایط خاص خانوادگی وی، دوران محکومیت‌اش پایان یافته و به آغوش خانواده باز گردد.

۱۱- آقای ناصر زرافشان که اخیراً به مدت کوتاهی در مرخصی درمانی بسر برد، و پیش از پایان معالجه به زندان بازگشت، بیش از نیمی از محکومیت خویش را سپری کرده و بایسته است اقدامات لازم برای آزادی وی از زندان به عمل آید.

۱۲- آقایان تقی رحمانی، رضا علیجانی و هدی صابر که بعضاً محکومیت‌های طولانی را در سال‌های گذشته سپری کرده‌اند، اکنون تا تعیین تکلیف پرونده آنها توسط کمیسیون ۴ نفره منصوب جناب عالی در

آزادی او به دفعات برای درمان یا شرکت در امتحانات دانشگاه متبوع حاکی است که هیچ دلیلی وجود ندارد که قوه قضاییه از حق وی برای آزادی نگران باشد. همچنین اکبر محمدی حدود ۱۵ ماه است در مرخصی بسر می‌برد و مشغول اقدامات درمانی است. چه دلیل وجود دارد کسی که عملاً آزاد است در لیست زندانیان سیاسی قرار گیرد و رسماً آزاد نشود؟ با توجه به شرایط خانوادگی این دو برادر و نگرانی‌های پدر و مادر آنان که ساکن شهرستان هستند و بنابر آنچه گفته شد، مقتضی است حق آزادی آنان در اسرع وقت تامین گردد.

۲۳- آقایان شهرام منصوری، فرهنگ منصوری و خالد حردانی سه متهم هواپیماربابی هستند که ۱۳ به دلیل محرومیت‌های اقتصادی و بدون انگیزه سیاسی دست به اقدام زده‌اند. با توجه به اظهار ندامت از فعل ارتكابی و شرایط وقوع بزه که مطابق قوانین ایران و بسیاری از کشورهای دیگر از موجبات تخفیف مجازات است، امکان عفو وجود دارد، مستدعی است تا زمانی که مراحل قانونی آن طی شود و با توجه به سپری شدن ۶ سال از حبس آنان، امکان استفاده از مرخصی‌های مندرج در آیین‌نامه زندان برای آنها فراهم آید. به ویژه یادآوری می‌شود که آقای خالد حردانی در حال حاضر از عفونت شدید فک رنج می‌برد و لازم است در مراکز درمانی مجهزتر تحت معالجه قرار گیرد.

همچنین آقای رسول حردانی محکوم به ۲۲ سال حبس شده و همسر وی به دلیل طولانی بودن مدت حبس دادخواست طلاق داده است، او یک سوم از مدت محکومیت را سپری کرده و در حال حاضر دو سال است که رأی باز شده است. محل سکونت خانواده این افراد شهر اهواز و محل محکومیت‌شان زندان‌های اوین و رجایی‌شهر است، در نتیجه برای خانواده آنان که از نظر مالی فاقد توانایی هستند ملاقات با زندانی دشوار و فواصل زمانی زیاد است. رأی باز شدن آقای رسول حردانی بهترین گواه بر وجود زمینه‌های مساعد برای تخفیف مجازات و گذشت و آزادی است.

۲۴- در پایان مستدعی است نسبت به وضعیت ۴ روزنامه‌نگار بازداشت شده در کردستان نیز اقدامات و پی‌گیری‌های لازم را انجام دهید. آقای مادح احمدی در تاریخ ۸۴/۵/۶، رویا طلوعی در تاریخ ۸۴/۵/۱۰ و اجلال قوامی و سعید ساعدی نیز در تاریخ ۸۴/۵/۱۱ بازداشت شده‌اند. بازپرسی آنها به کندی صورت گرفته و در بالاتکلیفی بسر می‌برند و قرار بازداشت آنها تمدید شده است. مستدعی است با توجه به طولانی شدن مرحله بازپرسی دستور تبدیل قرار بازداشت به قرار خفیف‌تر را صادر فرمایید تا با آزادی آنان در شرایط مناسب‌تری ادامه دادرسی صورت گیرد.

پیشاپیش از هر گونه اقدام جنابعالی و قوه محترم قضائیه در اجابت درخواست‌های سابق الذکر کمال امتنان را داریم. با تشکر

انجمن دفاع از حقوق زندانیان / ۱۳ - شهریور ۱۳۸۴

بزرگترین فرزند خانواده است شایسته است محکومیت وی مورد تجدید نظر قرار گیرد.

۱۸- آقای مهدی قاسمیان ۶۲ ساله در تاریخ ۸۴/۴/۲۲ در جریان برگزاری نماز جمعه خصوصی به اتهام تجمع و اخلاف در نظم بازداشت شده است. با توجه به اینکه وی دارای یک کلیه است و در ایام بازداشت چند روز را به بیمارستان انتقال یافت و تحت عمل جراحی قرار گرفت و وضعیت مساعدی از نظر جسمی ندارد و در بالاتکلیفی بسر می‌برد مطلوب است دستور آزادی وی تا رسیدگی عادلانه به پرونده وی صادر شود.

۱۹- آقای حسین قاضیان هم پرونده آقای عباس عبدی است که محکوم به ۴ سال و نیم زندان شده که یکسال آن سپری گردیده است. با توجه به تبرئه آقای عبدی، ادامه حبس آقای قاضیان فاقد وجهت قانونی به نظر می‌آید و تا تعیین تکلیف نهایی پرونده وی در شعبه تشخیص می‌تواند بیرون از زندان بماند. یادآوری می‌شود چنانکه در نامه مرداد ۱۳۸۴ آقای قاضیان خطاب به جنابعالی آمده است، بسیاری از نوشته‌ها و اوراق نامربوط به اتهام نامبرده را بر خلاف ماده آیین دادرسی کیفری ۱۰۳ و ماده ۱۰ ق.م.ا ضبط کرده و به وی مرجوع نکرده‌اند. حاصل ۲۰ سال مطالعه، پژوهش و ترجمه برای وی بسیار مهم‌تر از حبس سپری شده است که لازم است دستور اعاده آنها داده شود.

۲۰- آقای اکبر گنجی اکنون بیش از ۵ سال از محکومیت ۶ ساله خویش را سپری کرده و نیازمند رسیدگی‌های درمانی است. ضمن درخواست آزادی ایشان، در حال حاضر کمترین انتظار ما مرخصی درمانی وی می‌باشد.

۲۱- آقای مهرداد لهراسبی، دستفروش کتاب در خیابان انقلاب در جریان وقایع ۱۸ تیر ۱۳۷۸ در سن ۲۶ سالگی بازداشت شد. او ابتدا محکوم به اعدام و سپس به ۱۵ سال حبس گردید که ده سال از حکم او تعلیقی است. وی در سال گذشته بطور موقت آزاد شد اما مشکلات فراوان مالی و شغلی مجال سامان یافتن به زندگی او را نداد و پس از چند ماه مرخصی دوباره به زندان بازگردانده شد. با توجه به مشکلات روحی و جسمی وی، آزادی و اقدامات درمانی و حمایت از طریق مرکز مراقبت‌های پس از خروج در مورد او اقدامی انسانی و شایسته است.

۲۲- منوچهر محمدی و اکبر محمدی در جریان وقایع ۱۸ تیر ۱۳۷۸ بازداشت شدند و احکام آنها در مرحله تجدید نظر به ۱۵ سال حبس تقلیل یافت. اکنون با سپری شدن نیمی از محکومیت مشمول آزادی مشروط شده‌اند و بدون تعلل می‌توان حکم آزادی‌شان را صادر کرد. منوچهر محمدی در ایام حبس با شرکت در آزمون کنکور سراسری موفق شد در مقطع لیسانس پذیرفته شده (و مانند زندانیان دیگری چون احمد باطبی، امیر عباس فخرآور، رضا محمدی و ...) ادامه تحصیل دهد و وارد دوره فوق لیسانس شود. او از تاریخ نیز در مرخصی بسر می‌برد. مرخصی و

ترجمه: ن. نوریزاده

گزارش کامل ناظران حقوق بشر در مورد ایران

ژوئن ۲۰۰۴ (خرداد ۱۳۸۲) ش ۲ / E



مثل مرده در تابوت

شکنجه، بازداشت و سرکوب مخالفین در ایران

بخش پایانی: کمیسیون اصل نود

کمیسیون اصل نود یکی از کمیسیونهای مجلس می باشد که طبق قانون اساسی تشکیل شده است. در این اصل آمده است که: "هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در مواردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند."

در بحبوحه آزادی مطبوعات، کمیسیون اصل نود به قضات و دیگر مقامات محافظه کار حکومتی فشار میآورد (۱۵۵). این کمیسیون که قدرت اجرایی ندارد طبق قانون اساسی موظف است به شکایات افراد علیه سه قوه حکومتی رسیدگی نماید. هنوز هنگامیکه به مطبوعات و اعضای مجلس جهت دفاع از حقوق شهروندان فشار از ناحیه حکومت وارد میشود کمیسیون اصل نود تنها ابزار رسمی است که به شکایات آنها رسیدگی می کند زیرا مطبوعات کمیسیون را به عنوان ابزاری جهت انعکاس اخبار و جلب توجه افکار عمومی نسبت به وضعیت و پرونده هایشان تلقی می کنند. (این گزارش در اواخر مجلس ششم که هنوز کمیسیون اصل نود فعال بود تهیه شده است. م)

در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱، کمیسیون اصل نود توانست فشارهای موثری روی دستگاه قضائیه در ارتباط با دستگیری روزنامه نگاران، دانشجویان و رفتار با زندانیان سیاسی را وارد آورد. (۱۵۶) یکی از گزارشات مهم کمیسیون اصل نود که بطور آشکار فضای وخیم حقوق بشر در ایران را نشان می داد، گزارش بازداشت و مرگ عکاس و روزنامه نگار ایرانی، کانادایی، زهرا کاظمی بود. این گزارش کیفر خواست دروغینی که از طرف قوه قضائیه بویژه دادستان کل آن سعید مرتضوی تنظیم شده بود و سعی در پنهان نمودن علت واقعی مرگ خانم کاظمی داشت را بیان کرد.

این گزارش نوشت: "آقای مرتضوی کمیسیون را به عدم اطلاع از قانون متهم کرده است (۱۵۷) و می گوید که: الزام قانونی به شرکت در جلسات کمیسیون اصل نود ندارم، در حالیکه اگر آقای مرتضوی مرور کوتاهی به قوانین موضوعه در خصوص حدود اختیارات کمیسیون مصوب مجلس شورای اسلامی می کرد هرگز با چنین صراحتی مرتکب این اشتباه بزرگ نمی شد و کمیسیون را متهم به عدم اطلاع از قوانین نمی کرد. برای روشن شدن این نکته باید ماده ۲ قانون نحوه اجرای اصل ۹۰ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۵ مجلس را که به تایید شورای نگهبان نیز رسیده است را مورد توجه قرار داد که مقرر داشته «... این کمیسیون می تواند جهت کسب اطلاعات کافی از مسوولین مذکور قوای سه گانه جمهوری اسلامی و تمام وزارتخانه ها و ادارات و سازمانهای وابسته به آنها و بنیادها و نهادهای انقلابی و موسساتی که به نحوی از انحاء به یکی از قوای فوق الذکر مربوط می باشند.» دعوت یا مستقیماً با آنها مکاتبه نماید و آنها مکلف به اجابت هستند و در صورت تخلف و ثبوت جرم عدم پاسخگویی توسط کمیسیون واعلام آن دادگاه صالح موظف است خارج از نوبت رسیدگی و در صورت ثبوت جرم مقدار کیفر مذکور در تبصره ماده واحده مصوب ۱۳۶۵/۲/۵ را مشخص و نتیجه را به کمیسیون اعلام نماید.» با این وصف اظهار نظر آقای مرتضوی به عنوان دادستان عمومی و انقلاب تهران از هر جهت موجب شگفتی است." (۱۵۸)

در حالیکه دستگاه قضائیه به جای پاسخ مناسب به نکات جدی که در گزارش مطرح شده بود، با زور به روزنامه ها اخطار نمود که اگر می خواهند روزنامه شان توقیف نگردد، از درج گزارش کمیسیون اصل نود خودداری کنند. با وجود این تهدید این گزارش بوسیله یک روزنامه در تهران بطور کامل منتشر شد و بیشتر سایتهای اینترنتی آنرا منعکس کردند اما با توجه به دسترسی کم ایرانیان به اینترنت، انعکاس آن از طریق اینترنت محدود بود. در این رابطه بیشتر نمایندگان مجلس نیز که در صدد سخن گفتن از شرایط زندانیان سیاسی و انتقاد به رفتار بدی که از ناحیه قوه قضائیه نسبت به فعالین، روزنامه نگاران انجام می گرفت، مورد تهدیدات مشابه قرار گرفتند.

لباس شخصی ها که (از طرف جناح سید علی خامنه ای و رفسنجانی-م) حمایت می شوند به نمایندگان منتقد در مجامع عمومی و سخنرانی ها حمله ور شدند. یک فعال سیاسی در این رابطه به ناظران حقوق بشر گفت که: "کمیسیون اصل نود نقش و وظیفه بسیار مهمی دارد. اما آنها چه کنند که نه تنها قدرت اجرایی ندارد بلکه بعضی از اعضای آنرا نیز بازداشت کرده اند." (۱۵۹)

بخش نهم: آینده تاریک

فضای ترس و وحشت بخاطر سوء رفتار ها و (انواع شکنجه) که رژیم نسبت به شهروندان اعمال میکند و در این گزارش به آنها اشاره شد،

فعالیت این کمیته را اعلام داشت. سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به سوالی در مورد ملی مذهبیهای روزنامه نگار که بدون تفهیم اتهام ماهها در زندان بسر می برند، اظهار کرد که خانواده آنها بارها از طریق رسانه های گروهی خواستار پیگیری پرونده آنها شده اند. (۱۶۴) او در ادامه خاطر نشان کرد: "هیئت از سوی رئیس جمهوری موارد را بررسی و در گزارش خود اعلام کرد که این افراد دارای محکومیت قطعی هستند و در بازداشت موقت به سر نمی برند" روز بعد وزیر اصلاح طلب که خود عضو هیئت مزبور است بیان داشت که این کمیته چیزی را در گزارش خود اعلام نکرده است و براساسی سخنگوی قوه قضائیه از وضعیت قانونی روزنامه نگاران در زندان کم اطلاع می باشد. (۱۶۵)

در ۷ مارس ۲۰۰۴ یک عضو مجلس که صلاحیت او برای انتخابات بعدی رد شده بود و نیز بیشتر دوره تصدی نمایندگی خود در مجلس (ششم) را در پس دادن بازجویی در زندانهای سری می گذارند، رفتار بد با زندانیان سیاسی را تکیه کرد و از دولت خواست که در قبال بازداشت شدگان احساس مسئولیت کند. او در خلال بیان این مطالب در صحن مجلس، مورد اعتراض تندروها و محافظه کاران مجلس قرار گرفت و تریبون او را خاموش نمودند. قسمتی از سخنان او به قرار زیر می باشد:

"امروز نیز شاهد یک کودتای پارلمانی علیه جریان تحول خواه ایرانیان با ابزار رد صلاحیت و ارباب در انتخابات دوره هفتم مجلس شورای اسلامی هستیم تا مجلس به هر ترفندی مهره چینی گردد و به فرموده ای قیام و قعود کنند و دیگر از آن نامه اعتراض و انذار نگاشته نشود و صدای افشاء گرانه حقیقت جویان برنخیزد و کمیسیون اصل نود آن مرجعی برای ستم دیدگان نباشد و گزارش قتلهای دگراندیشان، یورش نظامیان به کوی دانشگاه تهران و تبریز و طرشت، انفرادی ها و آزار روزنامه نگاران و زندانیان و فعالان سیاسی بخصوص دانشجویان و فعالین جنبش دانشجویی گوش حاکمان را نیازارد و کسی دیگر در مجلس سخنی از تنهایی زندانیان و انفرادی چون صابر، علیجانی، رحمانی، گنجی، زرافشان، آقاجری، اشکوری، عبدی، باطبی و سایر زندانیان مظلوم بر زبان نیاورد و آن کنند که حاکمیت میخواهد و تنها آن گویند که حکومت می پسندد". (۱۶۶)

سیاسگزاری

این گزارش بوسیله مشاوران "ناظران حقوق بشر" قسمت خاور میانه، شمال آفریقا تهیه و نوشته شده است. جوستورک، سردبیر قسمت خاور میانه، شمال آفریقا در واشنگتن این گزارش را بازبینی و مرور کرده است. همچنین این گزارش بوسیله جیمز روس، مشاور عالی "ناظران حقوق بشر" و ویندی بروان معاون سردبیر در امور برنامه ریزی دوباره خوانی شد. لایلا هال عضو قسمت خاور میانه، شمال آفریقا این گزارش را

بقیه در صفحه ۲۴

وجود بیشتر ایرانیان را فرا گرفته است. در این رابطه چند دانشجو در گفتگو با ناظران حقوق بشر اظهار داشتند که: "آنها از برنامه ها و نظرات فعالین دانشجو پشتیبانی و حمایت میکنند اما از رفتن به خیابان و یا حضور در سخنرانیهای آنها هراس دارند." دانشجوی دیگری گفت: "قبلا آنها شما را به مدت ۲۴ ساعت بازداشت میکردند اما حالا نه تنها شما را بیرحمانه میزنند بلکه از دانشگاه هم اخراج میکنند." (۱۶۰)

امروز امید اندکی برای تغییر رفتار قوه قضائیه برای نهاد های دموکراتیک وجود دارد. در خلال سه سال گذشته هزینه ابراز بیان و عقیده و نیز انتقاد از نقض حقوق بشر که بوسیله دستگاه قضائیه و نهاد های امنیتی وابسته به آن انجام میگردد، بسیار بالا رفته است. در این رابطه آمیثی لیگابو گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد حق آزادی عقیده و بیان در ضمن سفر به ایران و مشاهده خود ابراز کرده است که: "سرکوب آزادی بیان و عقیده، یک فضای وحشت" در ایران بوجود آورده است." او در گزارش خود همچنین آورده است که: "گزارشگر ویژه گام را فراتر میگذارد و تاکید میکند که فضای ترس و وحشت که بوسیله سرکوب مداوم مردم جهت ابراز بیان انتقاد آمیز خود علیه اولیای امور، تئوریسین های سیاسی و مذهبی و وظائف نهادها بوجود آمده است، توأم با محکومیت های شدید، موجب خود سانسوری در میان بیشتر روزنامه نگاران، روشنفکران، سیاستمداران، دانشجویان و بطور کلی مردم شده است.. در نتیجه وجود این فضا، مانعی برای آزادی بیان و عقیده ایجاد شده است." بنظر میرسد که بعد از انتخابات مجلس در ۲۰ فوریه ۲۰۰۴ فضای ترس و وحشت افزایش یابد. یک نماینده مجلس که صلاحیت او برای انتخابات دوره بعدی رد شده است و نیز اولین کسی بود که از مجلس (ششم) استعفا داد، اخیرا اظهار داشت که: "دستگاه قضائیه تحت کنترل محافظه کارانی که مایلند فضای سیاسی را بیشتر محدودتر کنند، کشور را به سوی وضعیت و شرایط بسیار وخیم تر از گذشته سوق خواهد داد. در آینده وضعیت بسیار بغرنج و وخیمی در انتظار داریم." (۱۶۲)

در شب انتخابات یکی از دو روزنامه اصلاح طلب بمدت ۲ هفته توقیف شد و در همین راستا افراد بیشمار بوسیله دادگاه تهدید شدند و چند سخنرانی عمومی بوسیله نیروهای امنیتی لباس شخصی مورد حمله قرار گرفت و شماری از سایتهای خبری اینترنت در داخل فیلتر گذاری شد. (۱۶۳)

دقیقا مشخص نیست که مجلس آینده که به دست محافظه کاران واگذار شده است چه خواهد کرد اما رویدادهایی که در زمان انتخابات صورت گرفت، نشان میدهد که حقوق زندانیان سیاسی زیر پا گذاشته خواهد شد و شرایط و وضعیت آنها زیان بارتر از گذشته میشود.

در ۱۸ مارس ۲۰۰۴ سخنگوی قوه قضائیه علیرغم اعتراض اعضاء اصلاح طلب کمیته رئیس جمهوری برای پیگیری وضعیت زندانیان سیاسی، پایان

انتشارات جمعیت دفاع از حقوق بشر در ایران

www.polpiran.com / info@polpiran.com

5122, CDN – C.P 49552 – Montreal, Quebec - H3T 2A5

